

# ۱۰ سال از شهادت رفیق هوشنگ تیرابی گذشت

صفحه ۷

## دهقانان زندانی را آزاد کنید! زمین به دهقانان

شورای عالی قضائی جمهوری اسلامی ایران، که متعهد به دفاع از منافع "پینه بدستانی" است، که با انقلاب خود و جانفشانی و ایثار آنها را "از زندانها بیرون آوردند" و بر اینکه قدرت نشانند، نه تنها به نفع دهقانان زحمتکش حکم صادر نمی‌کند، بلکه با باقی گذاشتن آنها در زندانها، عملاً به تأیید احکام جابرانه صادر شده توسط حکام دادگاهها پرداخته است.

شورای عالی قضائی، که برای رسیدگی به "اختلافات مالکین (۱) اراضی و زارعین" که "منجر به زندانی شدن کشاورزان، که زمینها را با مجوز قانونی (توجه می‌نمایید؟ با مجوز قانونی!) از طرف هیئت‌های ۷ نفره یا شورای کشت در یافت کرده بودند" جلسهای تشکیل داده بود (اطلاعات ۲۶ خرداد ۶۲)، بجای آزادی دهقانان زندانی "مقرر" داشت، که "هیئت‌هایی در اسرع وقت (۱) به این مناطق اعزام شوند!"

شورای عالی قضائی با این "مقرر" داشتن خود در واقع مالکیت "مالکین اراضی" را تثبیت کرده است. شورای عالی قضائی به عنوان بالاترین مرجع قضائی کشور با کدام مجوز قانونی، قانون شکنی علنی دادگاهها و دادسراهای تحت بقیه در صفحه ۱۵

# راه توده

شهر محرابان خویجستان در خلیج فارس

جمعه ۱۰ تیر ۱۳۶۲ مطابق ۱۱  
رمان ۱۴۰۳ و ۳۱ ژوئن ۱۹۸۳  
سال اول شماره ۲۸  
پهنا: ۴۰ سانتی‌متر

## نگرانی مردم ایران از آینده کشور

کردن اهرمهای حساس دولتی، انقلاب ضد امپریالیستی توده‌های زحمتکش را از شاهراه اصلی منحرف سازند و آنها را به پرتگاه سقوط بکشانند اظهار رضایت می‌کنند.

روزنامه "هرالد تریبون" در شماره ۵ و ۶ ژوئن ۱۹۸۳ می‌نویسد، در کنفرانس هفت کشور بزرگ صنعتی غرب، که اخیراً در ویلیامسبورگ پایان یافت، سران دول شرکت‌کننده موافقت کردند، مانعی در راه تلاش ایران برای بهبود مناسباتش با این کشورها ایجاد نکنند.

روزنامه با استناد به منابع وزارت امور خارجه ژاپن خاطر نشان می‌سازد، این موضوع در جلسه وزرای امور خارجه انگلستان، کانادا، بقیه در صفحه ۶

دستگیری، زجر و شکنجه اعضای حزب توده ایران همچنان ادامه دارد. روزی نیست که، جزایر تحت سانسور، اخبار دستگیری گروهی از اعضای حزب را در این و یا آن استان، در این یا آن شهر منتشر نسازند. اعمال ضد بشری هیئت حاکمه ایران که نشانگر همکاری دامنه‌دار آنان با ارتجاعی-ترین نیروها در عرصه بین‌المللی در مرحله کنونی اجرای استراتژی ضد کمونیستی و ضد شوروی رونالد ریگان است، موجبات خرسندی امپریالیسم بسرکردگی امپریالیسم آمریکا را فراهم آورده است. دستگاههای سخن پراکنشی امپریالیستی - صهیونیستی، از اینکه نیروهای واپس‌گرا و عمال امپریالیسم توانسته‌اند باقیضه

## تب انقلابی ولرز تسلیم طلبی!

چگونه به "دست پینه بسته" پشت کردند!

روند بازگشت جمهوری نوپای ما از راه اصلاحات ارضی انقلابی و براندازی بزرگ زمین داری و خان‌خانی در یکسال اخیر، روزی نیست که در روزنامه‌های مجاز مطرح نشود و سند دیگری دایر بر پشت کردن به اهداف "انقلاب کسوخ" نشینان علیه کاخ نشینان "توسط تسلیم طلبان" بر ملا نشود!

"راه توده" در زیر "بخشنامه به دادگاهها و دادسراها" را، که از طرف شورای عالی قضائی صادره شده است، تجدید چاپ می‌کند، تا خوانندگان با عمق این روند انقلاب برانداز بهتر آشنا شوند.

به کمک این بخشنامه، شورای عالی قضائی کوشش می‌کند موقتاً مانع از بازپس گرفتن زمین‌های تقسیم شده بر مبنای قانون اصلاحات ارضی مصوب شورای انقلاب و بویژه بند "ج" آن شود. اما شاکتگران دیروز، که اجرای این قانون را در ابتدا "مسکوت" گذاشته، از تجارب "نبرد که برک" در سالهای اخیر هیچ نیاموختند. آنها، که روزی مدعی بودند "تا سه سال دیگر به هر خانواده ایرانی یک خانه تعلق خواهد داد" بقیه در صفحه ۲

## گسترش همبستگی بین‌المللی برای نجات جان زندانیان توده‌ای

خود نمی‌بینند و یا به عمد چشمان خود را بسته-اند تا خویش را در عالم پندار، بر فراز قلعه پیروزی ببینند، غافل از اینکه اگر بند بند اینس قربانیان را از هم جدا کنند، باز نخواهند توانست، حزب توده ایران را نابود کنند، زیرا که حزب ریشه در خون دارد و در خون باز جوانه خواهد زد و مرگ هر مبارزی، تنها خشم و نفرت آزادی-خواهان جهان و میهنمان و عزم آنان را در بر بقیه در صفحه ۳

پس از شهادت رفیق حسن حسین پور تبریزی بدست شکنجه‌گران جمهوری اسلامی ایران، موج همبستگی بین‌المللی برای نجات جان زندانیان توده‌ای ابعاد گسترده تری بخود گرفته است. ما و ما، افکار عمومی مترقی و کلیه انسان‌های شرافتمند در سراسر جهان، نگران سرنوشت مبارزین دیگری هستیم که هنوز در سیاهچاله‌ها و در اطاقهای شکنجه گرفتارند، گرفتار کوردلانی که موج همبستگی جهانی را با تک‌تک قربانیان

## زنده باد حزب توده ایران مدافع راستین استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی

# عروج "دست آهنین"

قهرمان، پدست آورد و بدین طریق چند صباخی بر سریر قدرت تکیه بزنند، لاجرم تا وقتی که چاکران سر سهرده امپریالیسم آمریکا حاکم مطلق بسر سرنوشت مردم نشوند و انقلاب به خاک سپرده نشود، رضا نخواهد داد. امپریالیسم ایران را میخواید نه کم و نه بیش:

آنچه که نمایند مجلس به دست فراموشی سپرده آگاهی، و توان انقلابی مردم ایران و شرایط عینی موجود انقلابی است. اگر در زمان صریح رضا خان قلد گرفته میشد:

"تجارت نیست، صنعت نیست، ره نیست امید ی جز به سردار سپه نیست." اکنون مردم انقلابی ره دارند، امید هم دارند. ره همان ره است که حزب توده، ایران که از ۴۰ سال پیش در آن روان است، و امید آن امید است که انقلاب پر شکوه ۲۲ بهمن در دل ها ایجاد کرده.

مردم انقلابی ایران عاقبت نافرجام انقلاب شروطیت را از خاطر نبرد ماند. آنان امثال رضا قلد را که به عنوان "منجی ایران" و "دست آهنین" برای نجات شروطه نیم بند و استقرار "جمهوری" وارد صحنه شده بودند فراموش نکرده است. ○

(از سخنان قبل از دستور فخرالدین حجازی در مجلس - اطلاعات - ۳۰ خرداد)

آقای فخرالدین حجازی در جستجوی "قهرمانی" نیستند، که غول گرانی را بشکنند، ایشان در واقع دنبال "قهرمانی" میگردند که "غول" انقلاب را بشکنند.

آقای فخرالدین حجازی که به طبقات سرمایه داری وفادار و از خلق بیزار است، بفکر چاره شکستن و کشتن "غول گرانی" افتاده است! ایشان معتقدند "قهرمانی" باید پیدا شود که "شکت" و "سرنیزه" خوبی باشد تا بتواند به دستاویز شکستن "غول گرانی" متولن انقلابی مردم را بشکند و از آنان انتقام بگیرد.

آقای فخرالدین حجازی این هدف امپریالیسم را تصریح می کند که: امپریالیسم در ایران حکومتی را می طلبد که صد درصد وابسته و مطیع او باشد، هر چند تسلیم طلبان می گویند تا دل امپریالیسم را با قریانی کردن تودمایی

امپریالیسم و ارتجاع برای فلیج کردن انقلاب کوشیدند تا گرانی و کمبود ایجاد کنند، آزادی را از مردم سلب نمایند، محیط رعب و وحشت را دامن زنند و در نهایت جان مردم را به لب رسانند. اکنون گویا این جو دلخواه آنان پدید آمده و "آبادگی روحی" مردم نیز مهیا گشته است. بنا بر این باید از "خطا فکری" برخیزد و زان کرد. صاحب کلاه می برآید. "آقای فخرالدین حجازی بعنوان بشارت دهنده" این نوظهور می گوید:

"در ماه رمضان غول گرانی بیداد میکند و این مردم مبارز و مقاوم گرچه خمی بر ابرو نمی آورند (!) ولی بالاخره ما راهم وظیفه ای و مسئولیتی است، حالا این غول را چه کسی بشکند و چه کسی بکشد، نمیدانم (!)، وزارت بازرگانی، دولت، مجلس، دادگاههای انقلاب، خود مردم، البته، بالاخره باید پیدا شود قهرمانی کسسه بتواند با این غول بجنگد."

# تب انقلابی و لرز تسلیم طلبی!

بقیه از صفحه ۱

داشت " (آیت الله خیروشاهی ۵۰) بپرای جلوگیری از تخلیه خانه ها نیز به همین راه ناموفق رفتند که بخشنامه امروز شورای عالی قضائی نیرومده ماماشا تکران آن روز در آن زمان تخلیه خانه و اجرای احکام دادگاهها را با تصویب لویاحی در مجلس دیار و هربار شش ماه به تعویق انداختند، ولی اکنون که قانون مالک و مستاجر بطور نهایی تصویب شده است، برای مستاجران در پسر پاشنه ای پس بدتر از زمان رژیم شاه می گردد!

به تعویق انداختن موقتی اجرای احکام دادگاهها در مورد یازپس گرفتن زمین از دهقانان، و نه لغو این احکام، نیز قدم گذاشتن به همین راه نامیوم برای زحمتکشان میهن ما است.

نیاموختن از این تجربه دردناک و تکرار آن بیان کننده چشم پوشی از اهداف "انقلاب کسوخ نشینان طلیه کاغذ نشینان" است.

اکنون به محتوای این بخشنامه توجه کنید:

"اختلاف و دعاوا" مربوط به زمین هاشی است، که در سالهای ۵۸ و ۵۹ - روزهای افاش و سرنگونی دولت لیبرالها و تشخیص جاسوسخانه - توسط نهاد های انقلابی جهاد سازندگی، شورا های اسلامی یا هیأت های هفت نفره یا دادسراها و ادستانی هله دهقانان واگذار شده است. اما بخشنامه مدعی است، کسه گویا این زمین ها، که طبق قانون شورای انقلاب تقسیم شد ماند، "مصادره" نشده بودند! ؟ در بخشنامه از صاحبان "مخفی و فراری" زمین ها، که یا در عملیات سرکویگرانه علیه انقلاب فعالانه شرکت کرده بودند و یا در زمان رژیم شاه خلق را

غارت کرده بودند و از اینرو "فراری و مخفی" نیز بودند، صحبت می شود، که اکنون که طوفان انقلاب خوابانده می شود و راستگرایان بر مواضع حساس و عید مسلط شد ماند، بازگشتناند. هم

**رسیدگی به اختلاف زمینهای مصادره شده**

مزبور خیری: از سوی آیت الله سید عبدالکریم موسوی اردبیلی عضو شورای عالی قضائی، در رابطه با اختلاف زمین و دعاوای مربوط به زمین، اطلاعاتی شرح نموده صادر شد:

بسمه تعالی

بخشنامه به دانشگاه و دانشراها دربارہ اختلاف زمین و دعاوای مربوط به آن، زمین های که در سالهای ۵۸ و ۵۹ توسط جهاد سازندگی یا شورا های اسلامی ده یا هیاتهای ۷ نفره یا دانشراها و دانشنامها گرفته شده و بدون اینکه مصادره شود، تقسیم گشته و فلام در دست آنان میباشد و همچنین زمینهای که مالکین آنها به جهت از جهات، مخفی و یا فراری بودند و مردم خودشان زمینها را تصرف کرده و تاکنون گشت می کنند و الان آن مالکین فراری و مخفی برگشته و بازار زمین فرگیر شده و برای رسیدگی به دادگاهها و دانشراها مراجعه می کنند که گاهی یا اکثر به استناد سند مالکیت که در دست آنها هست، رای به تخلیه و رفع بد صادر می کنند و این امر موجب اخلال در امر کشاورزی شده و گرفتاریها و غارتی های زیادی را بمقتضای داشته است، از طرفی ضوابط و قوانین سابق تا حدود زیادی باتصویب قانون اساسی و ضوابط اسلامی قابل انطباق نبوده و رسیدگی به این امور و نگاه اظهار نظر شخصی، دانشگاهها بدون قانون مدون موجب اخلال در امر روستاهای کشور و اقتصاد و کشاورزی میگردند و قانون جدید دربارہ آراضی مزبور در مجلس شورای اسلامی مطرح است، لذا به دانشگاهها و دانشراها ابلاغ میشود تا تصویب قانون زمینهای مزبور که بمنظر میرسد زیاد هم طول نکند، رسیدگی به این گونه پروندهها را به توفیق اندازه و اگر رای داده شده ولی هنوز اجراء نشده است، تا تعیین تکلیف از طرف مجلس از اجرای آن شورای عالی قضائی خودداری شود.

سید عبدالکریم موسوی اردبیلی

نشینان است، که سند مالکیت پینه دست آنها (بود!) به "دادگاهها" (دادگاههای در خدمت کسی؟) شکایت می کنند. در ادامه مطلب، بخشنامه اعتراف می کند، که این دادگاهها "گاهی یا اکثرا" رای به تخلیه و رفع مید (اشتباه نکتیداز: مظلومان و نه از ظالمان!) صادر می کنند.

رای این پیدا دادگاهها، که با وجود "طاغوت زدانی" ماهها پیش، بنا به تصریح بخشنامه فوق الذکر هنوز بر مبنای "ضوابط و قوانین سابق" صادر می شود، به اعتراف تسلیم طلبان در همین بخشنامه، فقط "تا حدود زیادی" نه کلا "با ما در تمام قوانین جمهوری اسلامی ایران، کسه قانون اساسی آن باشد، در تضاد است!

بدیهی است، که با چنین موضع ماماشا تکرانه با بزرگ زمین داران و تسلیم طلبی در مقابل آنها چاره ای هم جز قربانی کردن منافع زحمتکشان روستاد رپای آنها باقی نمی ماند.

هر انسانی که به این راه قدم بگذارد اجبارا زمین را از زیر پای امکانات خود برای تأمین عدالت اجتماعی خالی می کند، چاره ای هم ندارد جز بفراموشی سپردن تعهدات و گفته های خود در مقابل خلق، از جمله آنکه "سند مالکیت بر زمین، پینه دست دهقانان" است و نه "سند جعلی غارتگران!

فقط با جدا شدن از منافع زحمتکشان می توان تب انقلابی را با لرز تسلیم طلبی عوض کرد و به جای تثبیت حق دهقانان در حفظ زمینهای تقسیم شده، به تعویق حکم باز پس گرفتن زمینها قناعت کرد.

"تصویب قانون زمین های مزبور" و تعیین تکلیف (آن) از طرف (این) مجلس، "آنطور که بخشنامه وعده آن را می دهد، راه دورتری از قانون مالک و مستاجر نخواهد رفت. زیرا سببی که از درخت به زمین می افتد، در واز تنه درخت خود نخواهد افتاد! ○

چنین در بخشنامه تصریح می شود که "آن مالکین فراری و مخفی" که بازگشتناند "به استناد به سند مالکیت که در دست آنهاست" (از کجاست آورد ماند؟) علیه "زارعین" (منظور کسوخ

# گسترش همبستگی بین المللی برای نجات جان زندانیان توده‌ای

بقیه از صفحه ۱  
کندن ریشه، بیداد و جور ستم، راسخ تر خواهد کرد.

## محافل مترقی فرانسه یکصدانجات جان رفقای توده‌ای در بند را طلب می‌کنند

در روز هفتم ژوئن (۱۷ خرداد ماه) در جلسه بحث و گفتگویی که از طرف حزب کمونیست فرانسه، در زمینه مسائل سیاست روز فرانسه و جهان، با شرکت ژیزل، مورو عضو کمیته مرکزی و آندره لاژوانی رئیس فراکسیون کمونیست‌ها در پارلمان فرانسه و عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست فرانسه در پاریس برگزار شد، قطعنامه‌ای باتفاق آراء، در مورد دستگیری و شکنجه رهبران و اعضای حزب توده، ایران بتصویب رسید. حاضرین که تعداد آنان به بیش از ۵۰۰ نفر میرسید، حمایت خود را از زندانیان توده‌ای، اعلام داشتند و آندره لاژوانی، بر همبستگی عمیق حزب کمونیست فرانسه با حزب توده، ایران، تأکید ورزید. گوشه‌هایی از قطعنامه به شرح زیر است:

" ما نگرانی عمیق و انزجار شدیدی خود را نسبت به وقایع اخیر ایران، ابراز می‌داریم. در برابر دستگیری‌های وسیع میهن پرستان و خطری که بویژه جان رهبران و اعضای حزب توده، ایران، این مدافعان سرسخت انقلاب را تهدید می‌کند، دوستان مردم ایران در سراسر جهان، نمیتوانند بی تفاوت باشند. ما اعضا و هواداران حزب کمونیست فرانسه و دمکراتهای حاضر در این مجمع، شکنجه‌های وحشیانه‌ای را که در مورد سرسخت‌ترین مدافعان انقلاب مردمی ایران اعمال میشود، شدیداً محکوم می‌کنیم و خواهان پایان دادن به سرکوب علیه حزب توده، ایران و آزادی یلادرنگ رهبران و اعضای آن و بویژه نورالدین کیانوری، دبیر اول آن می‌باشیم."

● کمونیستهای انستیتوی نفت فرانسه، در تلگرافی که به سفارت ج ۱۰۱۰ در پاریس مخابره نمود، خواستار قطع فوری شکنجه‌های جسمی و روانی رهبران و فعالین حزب توده، ایران گشته‌اند.

● اتحادیه ایالتی ت. م. ت. (کنفد راسیون عمومی کار) در سن ولووار، بنام کارگران این مناطق، طی تلگرافی به مقامات مسئول ج ۱۰۱۰، خواستار نجات جان نورالدین کیانوری دبیر اول حزب توده، ایران و آزادی کلیه دمکراتهای در بند، گردیده است.

● حزب کمونیست فرانسه، در شهر یزانسون، طی انتشار یک اطلاعیه مطبوعاتی، به بررسی حوادث اخیر در ایران پرداخته و دستگیری و شکنجه رهبران و اعضا، حزب توده، ایران را غیر قابل توجیه و بعثاً به پشت کردن به منافع خلق

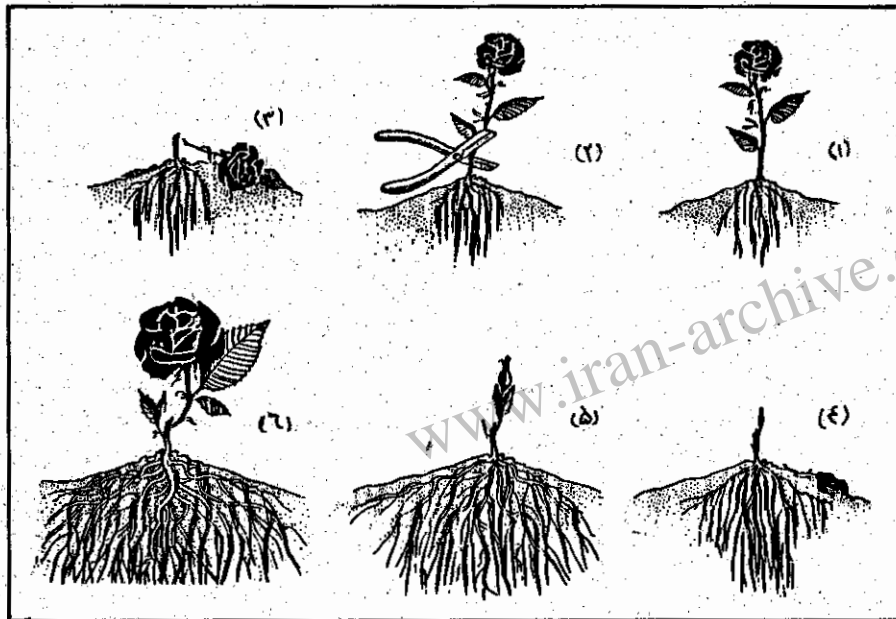
تین از کمونیستهای آلمان فدرال شرکت داشتند، حاضرین با ابراز همبستگی با حزب طبقه کارگر ایران و مبارزین زندانی، برای اقدامات عاجل دفاعی جهت نجات جان آنان، تأکید نمودند. همچنین، در گرد هم آیی‌های وسیع نمایندگان کمونیست بخشهای مختلف در شهرهای هایدلبرگ، ماننهایم، کایزر لوترن، هامبورگ و ماریبورگ - بیدن کف، قطعنامه‌هایی در این زمینه بتصویب رسید که در آنها ضمن محکوم کردن رفتار وحشیانه با مبارزین از جان گذشته توده‌ای، اعزام سریع هیأت ناظری مرکب از حقوق دانان و پزشکان، جهت دیدار با زندانیان خواستار گردیده است.

● گروه فلسطین - لبنان شهر تویبینگن، طی

ایران، ارزیابی نموده است. جوانان و دانشجویان کمونیست فرانسه در این شهر نیز، ضمن محکوم کردن تضييقات بر علیه حزب توده، ایران و اعضای آن، مصرا خواهان آزادی کلیه زندانیان توده‌ای و لغو ممنوعیت حزب می‌باشند.

## فعالیت‌های گسترده جهت نجات جان مبارزین توده‌ای

● روز جمعه دهم ماه ژوئن جاری (بیستم خرداد ماه)، بدعت انجمن یونانیان شهر فرانکفورت جلسه‌ای در محل این انجمن، با حضور نمایندگان حزب توده ایران تشکیل شد.



ارسال نامه‌ای به سفارت ج ۱۰۱۰ در بن، بیه توطئه‌های امپریالیسم در منطقه بویژه جهت ناپودی انقلاب ایران، اشاره کرده و تهاجم وسیع علیه حزب توده، ایران و بازداشت رهبران و اعضای آنرا بعثاً به بخشی از این توطئه‌ها دانسته و آنرا شدیداً محکوم نموده است. بخش صحته "سیا" ساخته "اعترافات" رهبران حزب، بشدت مورد تقبیح قرار گرفته و پایان دادن به اعمال وحشیانه در مورد مبارزین توده‌ای، زندانی و آزادی آنان خواستار گردیده است.

● کمیته همبستگی با مبارزات ضد امپریالیستی خلقهای جهان در آلمان فدرال، دستگیری و شکنجه رهبران و اعضا، حزب توده، ایران و نمایشات تلویزیونی "اعترافات" را بشدت مورد تقبیح قرار داده و این اعمال را در خدمت منافع امپریالیسم ارزیابی نموده است و از این جهت رفع تضييقت فوری از حزب و اعضای آن و آزادی یلادرنگ زندانیان توده‌ای، این حاملین درفش

که در آن به دنبال توضیحات رقتنا در مورد وقایع اخیر کشورمان فیلم "اعترافات" تلویزیونی، نمایش مسخره شکنجه گران اوین، بمعرض نمایش گزارده شد. که حاضرین را سخت تحت تأثیر قرار داد. پس از بحث در این زمینه، شرکت کنندگان آمادگی خود را در زمینه اقدامات عملی سریع جهت نجات جان قربانیان این نمایش شوم، اعلام نمودند. از جمله این اقدامات، اعضای کارتهای اعتراضی بود که به سفارت ایران در بن ارسال گردید.

● روز شنبه یازدهم ماه ژوئن، رفقای حزب توده، ایران، در جلسات نمایندگان بخشهای مختلف حزب کمونیست آلمان در شهرهای مونیخ و فرانکفورت شرکت کردند و با سخنرانی توضیحی خود، وقایع اخیر ایران را در رابطه با هجوم راستگرایان به دستاورد های انقلاب و نهادها و تجاوز به ابتدائیترین حقوق دمکراتیک در کشور و حمله وحشیانه به حزب توده، ایران، دستگیری و شکنجه رهبران و اعضای آن، مورد تحلیل قرار دادند. در این جلسات که صد ها

# همبستگی همه جانبه شخصیت‌های برجسته سیاسی بین‌المللی با حزب توده ایران

## سخنان موزس مادیداس، دبیرکل حزب کمونیست آفریقای جنوبی در دفاع از حزب توده ایران

موزس مادیداس، دبیرکل حزب کمونیست آفریقای جنوبی و یکی از شخصیت‌های برجسته جنبش آزاد بیخس ملی این کشور، ضمن ابراز تأسف از جریان دستگیری و شکنجه‌های وحشیانه رهبران و اعضای حزب توده ایران، چنین اظهار داشته است:

"رهبری جمهوری اسلامی، اعضای حزب توده ایران را متهم به جاسوسی کرده است. این اتهام مبتذل و پیش پا افتاده، برای اولین بار نیست که علیه کمونیست‌های جهان اقامه میشود، بلکه حربه کهنه‌ای است که بارها علیه آنان و حزب زحمتکشان بکار گرفته شده و میشود. سابقه مبارزات رفقای حزب توده ایران، هر همه کس روشن است. آنان بر علیه رژیم شاه مبارزه کرده و در پیروزی انقلاب مردمی ایران نیز سهم بسزائی داشته‌اند. این مبارزین اکنون همانند دوران دیکتاتوری شاه، مورد پیگرد و آزار مقامات ایرانی قرار گرفته‌اند."

کارگران جهان، ضمن ابراز انزجار از این اعمال، اتهامات ناذب و بی‌اساس بر علیه این مبارزین واقعی راه زحمتکشان را با قاطعیت رد می‌کنند. ما اعضای حزب کمونیست آفریقای جنوبی به‌مراه کلیه افراد شرافتمند جهان، بدفاع از رفقای ایرانی خود بر میخیزیم."

ما حمایت بیدریغ خود را از مردم ایران و زحمتکشان این کشور و حزب آنان، حزب توده ایران، اعلام می‌داریم. ما مصراته، خواستار آزادی کارگرانی هستیم که توسط مقامات جمهوری اسلامی ایران بزدان افکنده شده‌اند."

ما آزادی بلاد رنگ رهبران و اعضای حزب توده ایران را خواستاریم. ما خواهان آنیم که به این مبارزین امکان داده شود، در برابر افکار عمومی، دشمنان واقعی مردم ایران را فاش و رسوا سازند. طبقه کارگر ایران نیز که ظلم و ستم دوران استبدادی شاه را تحمل کرده، خواهان این امر است."

## همبستگی کمونیست‌های شیلی با حزب توده ایران و مبارزین دربندان

اورلاندو میلیاس، عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست شیلی، طی بیاناتی، خاطر نشان ساخته است:

"بر مبنای تصمیمی که توسط کمیسیون سیاسی حزب کمونیست شیلی اتخاذ گردیده است، ما موریت رسمی داریم، درودهای گرم و صمیمانه کمونیست‌های کشور را به رهبران و اعضای حزب قهرمان و برادر، حزب توده ایران، حزب کمونیست‌های ایران و مردم آن کشور تقدیم داریم."

اقتدار و طبقات مختلف مردم شیلی کشته در حال حاضر درگیر مبارزه سختی بر ضد دیکتاتور فاشیستی در این کشور می‌باشند، خشم و انزجار خود را از پیگرد و فشار و تضيیقات وارد به حزب توده ایران، و اعضای آن، ابراز می‌دارند. حزب توده ایران، نقش بسیار مؤثری در مبارزه با عقب‌ماندگی و ستگرگی و نیز نوع استثمار مردم، در ایران داشته و اعضای آن بیانگر مترقی‌ترین و دمکراتیک‌ترین اعتقادات مردم ایرانند."

ما یقین داریم، که این حزب، بطریق هرگونه فشار و تضيیق، به آرمانهای کلی خود، مبنی بر

پشتیبانی از اهداف مردمی خود، وفادار خواهد بود. امروز، کمونیست‌های ایران، همانند سابق بخاطر دفاع از منافع خلق خود، استقلال و آزادی میهنشان مبارزه می‌کنند. کمونیست‌های شیلی، مراتب همبستگی همه جانبه خود را با اعضای حزب توده ایران ابراز داشته و خواستار حفظ جان آنان، محترم شمردن حقوق و آزادی آنان هستند."

## سخنان کنسول الجزایر در تولوز

در نشستی که در محل کنسولگری جمهوری الجزایر در تولوز، به درخواست هواداران حزب توده ایران انجام گرفت، کنسول این کشور در مقام حمایت همه جانبه از انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ۲۲ بهمن و نیروهای مسلح و دمکراتیک ایران، نگرانی خود را از چرخش ارتجاعی در سیاست جمهوری اسلامی ایران اظهار داشت.

وی ضمن بر شمردن تجربیاتی از انقلاب رهائی بخش الجزایر، اظهار نمود:

"تجربه به ما می‌آموزد که هیچ انقلابی بدون تکیه بر زحمتکشان در داخل کشور و دوستی و نزدیکی با متحدان خارجی، یعنی کشورهای سوسیالیستی، جنبش‌های آزاد بیخس ملی و نیروهای مترقی سراسر جهان، نمی‌تواند به سیرظفر نمون خود ادامه دهد."

وی در بخش دیگری از سخنان خود گفت:

"ما نیز در دوران انقلاب، مراحل دردناکی را پشت سر گذارده‌ایم و اکنون با قاطعیت از عاوان می‌کنیم، که انقلاب به فرزندان خود نیازمند است و در غیر اینصورت، خطر شکست و نابودی، آنرا تهدید می‌کند."

کنسول الجزایر، ضمن تأکید بر این اصل که کشورش تا کنون بارها سعی نموده که توطئه‌های امپریالیسم و ارتجاع، علیه انقلاب ایران را خنثی کند، چنین اظهار کرد:

"دولت الجزایر، با وقوف به این امر که عراق به تحریک آمریکا به خاک جمهوری اسلامی ایران تجاوز کرده است، تلاش‌های فراوانی کرد که پس از آزاد شدن مهمترین بخش سرزمین‌های اشغالی ایران از زیر نفوذ ارتش عراق به پایان یافتن این جنگ فرسایشی خانمانسوزیاری رساند. وزیر امور خارجه الجزایر برادر بن یحیی، در این راه شهید گشت."

وی در پایان خاطر نشان ساخت که از هیچ کوششی برای شرکت در کارزار همبستگی با میهن پرستان مبارزی که در زندانهای ایران بسر می‌برند، دریغ نخواهد کرد و دولت متبوعش را هم بلافاصله در جریان این نشست و نتایج آن خواهد گذارد."

## محافل دمکراتیک و مجامع مترقی زنان در

بقیه از صفحه ۱۰

سریعتر کمیسیونی مرکب از پزشکان و حقوقدانان را، با ایران، جهت بازدید از این مبارزین و اطلاع از وضع آنان، خواستار شده‌اند.

سایر امضاء کنندگان تلگرام فوق، بشرح زیرند:

- اتحادیه عمومی دانشجویان دانشگاه زیگن
- اتحادیه عمومی دانشجویان عرب
- اتحادیه دانشجویان سوسیالیست
- اتحادیه دانشجویان فلسطینی
- سازمانهای زیر در شهر فرانکفورت (آلمان فدرال):
- بیانیه‌ای بتصویب رسانده‌اند که در آن دستگیری و شکنجه مریم فیروز و سایر میهن پرستان ایرانی، شدیداً محکوم و آزادی بلاد رنگ

آنان خواسته شده است:

- زنان حزب کمونیست آلمان
- زنان ترکیه، عضو فدراسیون اتحادیه‌های کارگری ترکیه در آلمان فدرال
- جنبش دمکراتیک زنان پرتغال MDN
- کمیته زنان خارجی و آلمانی

## برلن غربی

اتحادیه زنان دمکرات برلن غربی، طی ارسال اعتراض نامه‌هایی به مسئولین جمهوری اسلامی ایران، بازداشت غیرقانونی و شکنجه مریم فیروز و سایر آزادیخواهان را - مغایر با موازین حقوق

بقیه در صفحه ۱۶



# امپریالیسم آمریکا و وحدت خلق فلسطین را نشانه گرفته است

افراطی جلوی تحقق طرحهای واقع بینانه موجود را میگیرند، نیز هیچ خدمتی به حل مسئله فلسطین نمی‌کند.

در چنین وضعیتی اجلاس شانزدهم شورای ملی فلسطین با وجود تمام مشکلات موجود تلاش برای حفظ وحدت میان صفوف خود را نمایان ساخت.

طرح مرحله بندی شده امپریالیسم برای به زانو در آوردن خلق فلسطین و محو این خلقت زجر کشیده از صفحه روزگار با سازش لیسان و صف آرای نظامی با سوریه به مرحله حساسی رسید.

امپریالیسم و صهیونیسم کوشش کرده و می‌کنند که قبل از هر درگیری، در صفوف طرف مقابل تفرقه ایجاد کنند تا خود با خیال راحت به تنگنای برخورد های داخلی بطور خزنده و در موقع ضرور با ضربهای ناگهانی نقشه های خود را عملی سازند. این تاکتیک در تاریخ درگیریهای خاور میانه پدید آمده نبوی نیست.

اینبار امپریالیسم و صهیونیسم وحدت ملی خلق فلسطین را نشانه رفته اند. وحدتی که می تواند استقلال کامل خلق فلسطین را در تعیین سرنوشت خود حفظ کند. وحدتی که پایه و اساس تکامل آتی انقلاب فلسطین را تضمین کرده و میتواند جای خالی مرکزی واحد یعنی بیروت از دست رفته را پر کند.

امپریالیسم آمریکا، اسرائیل و ارتجاع عرب می‌کوشند به موازات تفرقه افکنی در میان صفوف مبارزان فلسطین، مناسبات این نیروها با کشور های مترقی عرب از جمله و خصوصاً سوریه و لیبی را نیز تیره سازند. مناسباتی که بارها توسط سوریه، لیبی و سازمان آزاد بیخس فلسطین، مناسبات استراتژیک نامیده شده و حفظ و گسترش آن بمثابة سلاح تأمین پیروزی بر اسرائیل تجاوزگر مورد تأیید قرار گرفته است.

حوادث تأسف بار اخیر در منطقه، تشتت در سازمان الفتح، و بروز اختلافات این سازمان با کشورهای سوریه و لیبی را باید در چارچوب تحول اوضاع در منطقه و توطئه های امپریالیستی برای شکستن ستون فقرات جنبش خلق فلسطین و تأمین سلطه اسرائیل و نهایتاً امپریالیسم آمریکا در منطقه بررسی کرد.

چنانکه بارها از طرف نیروهای مختلف فلسطینی، از جمله یاسر عرفات اعلام گشته است، تأمین اتحاد میان گردانهای رزمده خلقت فلسطین و اتحاد اعزاب تنها راه تأمین پیروزی انقلاب فلسطین است.

تصمیم اخیر "جبهه دمکراتیک برای آزادی فلسطین" به رهبری نایف حواته و "جبهه خلق برای آزادی فلسطین" به رهبری جرج حبش مبنی بر ایجاد فرماندهی سیاسی و نظامی مشترک دو سازمان را باید به مثابه کوششی جدی از طرف این دو گردان رزمده خلقت فلسطین قلمداد کرده و از آن استقبال کرد.

وحدت خلق فلسطین باید همچون مردمك چشم حفظ شود.

می‌کوشند تا دستاورد های معنوی - سیاسی خلق فلسطین در صحنه بین المللی را دفن کرده و با وارد ساختن جو نا امیدی و تشتت در آنها شکست سیاسی خود را رفع و به خیال خود به "مسئله فلسطین" خاتمه دهند.

امپریالیسم کوشش می‌کند از هر طرف به خلق فلسطین فشار وارد سازد و در جنبش مقاومت خلق فلسطین تفرقه ایجاد کند و گردان های مبارز آنها در مقابل هم قرار دهد. کوشش امپریالیسم آن است که نیروهای جنبش فلسطین را به جای پرداختن به مسئله اصلی، یعنی مقابله با دشمن صهیونیستی - امپریالیستی، به مسائل درونی و غیر عمده متوجه سازد حتی هدف این بود تا به خلق فلسطین اجازه بازسازی نیروی خود و صف آرائی تازه در مقابل دشمن اصلی، صهیونیسم و امپریالیسم، داده نشود.

طرح ریگان برای به اصطلاح حل مسئله فلسطین نه تنها مانوری فریب کارانه است، بلکه هدف آن کشاندن بخشهایی از جنبش خلق فلسطین به سازش و پذیرش شروط دشمن را نیز دنبال می‌کند.

فشارهای نظامی و سیاسی از سوی آمریکا، اسرائیل و کشورهای مرتجع عرب در خدمت این سیاست اعمال می‌شود.

بطور مثال پس از سال ۱۹۸۱، عمده منابع مالی سازمان آزادی بخش فلسطین را از جمله عربستان سعودی، کویت، قطر و ... تشکیل میدادند. هدف این کشورها از دادن کمک مالی به این سازمان نه یاری رساندن به آنچه برای تأمین هزینه های مبارزه، بلکه استفاده از آن در راه مقاصد شوم خود بوده و هست.

از طرف دیگر کوشش برخی کشورهای دیگر عربی در تشکیل فراکسیونهای متقابل به خود در درون جنبش خلق فلسطین، که با طرح شعارهای

اوضاع خاور نزدیک و میانه در پی اشغال لبنان توسط اسرائیل، که با حمایت مستقیم امپریالیسم آمریکا انجام گرفت و منجر به خروج مبارزین فلسطینی از بیروت شد، بسیار متزلزل گشته و احتمال بروز برخورد های جدی در این منطقه افزایش یافته است.

اسرائیل تجاوزگر، که از پشت گرمی آمریکا برخوردار است، می‌کوشد با تهدیدات خود علیه سوریه این کشور را نیز در پی لبنان به انعقاد قرارداد های اسارت بار مجبور سازد. امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم اسرائیل در نظر دارند با وخیم تر ساختن اوضاع منطقه و تأمین سلطه خود، این منطقه را به تخته پرشی برای سرکوب تمام جنبش های منطقه بدل نموده و بویژه انقلاب مردم محروم و زجر کشیده فلسطین را سرکوب کنند.

سرکوب جنبش استقلال طلبانه خلق فلسطین یکی از اهداف عمده تجاوز اسرائیل به لبنان را تشکیل میدهد. امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم اسرائیل که با وجود دست زدن به توطئه های گوناگون نتوانسته بودند مقاومت خلق فلسطین را بشکنند، اینبار طرح وارد ساختن ضربه سخت نظامی و متعاقب آن ایجاد تزلزل سیاسی میان انقلاب فلسطین را تدارک دیدند. حمله به

لبنان، محاصره بیروت و خروج اجباری مبارزین فلسطینی از این شهر، که یکی از پایگاه های عمده انقلاب فلسطین محسوب می‌شد، باعث بوجود آمدن شرایط جدیدی در منطقه خصوصاً برای گردانهای رزمده خلق فلسطین گشت.

جنبش مقاومت خلق فلسطین مجبور به تفرک شهری شد که بهیچ وجه قابل جانمینی نیست و باین ترتیب واحد های مبارزان جنبش فلسطین در کشورهای مختلف عربی پراکنده شدند. امپریالیسم آمریکا، اسرائیل و ارتجاع عرب

## اعتصاب عمومی در شیلی

شده به نقطه در افتاد های از کشور تبعید شدند. تمام نقاط استراتژیک و مهم سانتیاگو از جمله دانشگاه این شهر به اشغال پلیس تا دندان مسلح درآمد.

پنج حزب شیلسی، از جمله حزب کمونیست این کشور، مردم شییلی را فراخواندند تا همبستگی خود با کارگران اعتصابی را تقویت کنند. در بیانیه مشترکی که از طرف این احزاب منتشر گردید، آمده است که مرحله کنونی در مبارزه طولانی علیه دیکتاتوری در شیلی و سرنگونی آن نقش تعیین کننده ای دارد.

مرکز سندیکائی شییلی نیز طی اعلامیه ای با اشاره به رشد مبارزه متحد کارگران اظهار داشته است، که "شیلی به این وحدت برای پایان دادن به استبداد و پی ریزی آزادی واقعی و پایدار در کشور نیاز حیاتی دارد."

صد ها هزار زحمتکش شییلیائی، در اعتصاب عمومی، که از طرف "فرماندهی ملی زحمتکشان" فراخوانده شده بود، شرکت جستند. اعتصاب ۹۰ درصد کارکنان حمل و نقل عمومی، بخش جنرایی کشور را فلج ساخت. سندیکا های اعتصابی و اتحادیه شرکت های حمل و نقل خواستار آزادی رهبران بازداشت شده سندیکاها، بازگرداندن کارگران اخراجی به کار و لغو تمام محاکمات غیرقانونی علیه فعالین سندیکاها، و رفع سانسور مطبوعات شدند.

کلیسای کاتولیک شییلی نیز حق کارگران برای اعتصاب، داشتن سازمانهای قانونی سندیکائی و آزادی بیان را مورد تأیید قرار داد.

رژیم پینوشه در جواب اعتصاب عمومی کارگران به اقدامات تنزیلی خود شدت بی سابقه ای بخشیده سه تن دیگر از رهبران سندیکاها از جمله رهبر سندیکای کارگران ساختمانی بازداشت

# نگرانی مردم ایران از آینده کشور

بقیه از صفحه ۱

فرانسه، ایتالیا، ژاپن، آلمان غربی و آمریکا مطرح شد. در این جلسه وزیر امور خارجه ژاپن اظهار داشت ایران "یک سیاست واقع-بینانه‌ای" در زمینه خروج از "انفراد" و نزدیکی به غرب در پیش گرفته است.

به نوشته "رالد تریبون" آقای حسین کاظمی اردبیلی معاون وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی در مسافرت ۱۴ روزه خود به ژاپن در این زمینه با وزیر امور خارجه ژاپن مذاکره خواهد کرد. چنین برخورد دول امریالیستی به رویداد های اخیر ایران بیانگر همدلی مواضع اجتماعی، اقتصادی و سیاسی حکام جمهوری اسلامی با امپریالیسم جهانیست.

بسرکردگی امپریالیسم آمریکا است. شند گرچه سران جمهوری اسلامی سخت می‌گویند هستی ضد توده‌های، ضد کمونیستی و ضد شوروی را جدا از موضع امپریالیسم آمریکا در عرصه بین‌المللی جلوه گر سازند، ولی کیست نداند، رویداد های اخیر ایران و از آنجمله غیر قانونی کردن حزب توده ایران در راستای همان کمونیسم ستیزی است، که امکان پذیر می‌گردد.

و اما کمونیسم ستیزی در کشور ما پدیده تازه نیست. مدتها ساواک هسته مرکزی کمونیسم ستیزی را در ایران تشکیل میداد و همه آنانیکه در دوران ستم شاهی به نحوی دست اندرکار شاه توده‌های ستیزی و کمونیسم ستیزی بودند، همگاری نزدیک با این سازمان جهانی داشتند. در آن ایام مبارزه ایدئولوژیک بعثت یکی از شیوه‌های اختناق افکار مورد توجه خاص بود. پیکار ایدئولوژیک به قصد تحریف مارکسیسم-لنینیسم و مکه کردن آن در کوشش گاه‌های فاشیستی و اعدا مها با بی‌گیری تعقیب می‌شد. حتی نظر اجمالی به نوشته‌های مطبوعات و کتب عیدیه در رژیم گذشته، که بدون استثناء از سازمان‌های امنیتی می‌گذشت، وجود خط‌مستمر ضد کمونیسم و ضد شوروی را به ثبوت می‌رساند. برای نمونه می‌توان از "استراتژی بین‌المللی" و "درسهای درباره مارکسیسم" نوشته جلال‌الدین فارسی "تخاصرات سیاسی خلیل ملکی"، "مارکسیست‌ها" نوشته ف. قائم‌مقامی، "تاریخ سوسیالیسم - زندگی و آثار مارکس و انگلس" نوشته هاشمی قوچانی، و ترجمه‌های کتب تئوریک‌های بورژوازی در رد تئوری و پراتیک مارکسیسم - لنینیسم و نیز مقالات مندرج در روزنامه‌های اطلاعات و کیهان یاد کرد. هیچ‌یک از این باصطلاح مولفین فکر بگری ارائه نکرده‌اند افرادی عامی و بیسواد با استفاده از نوشتار مبلغین امپریالیسم، مارکسیسم - لنینیسم را به مبتذلانه‌ترین طرز مورد تاخت و تاز قرار داده و با سرهمبندی "تئوریهایی"

بی‌پیوند یا مارکسیسم، علا هم آفوشی ذهنی ناپاک با امپریالیسم را به ثبوت می‌رسانند. مثلا، جلال‌الدین فارسی در کتاب "درسهای درباره مارکسیسم" با توسل به جعل آشکار و انتساب دروغین آن به مارکس و انگلس و لنین و یا بیرون کشیدن یک اندیشه از متن اصلی و تفسیر خود سرانه و تحریف آمیز آن "درسنامه" ای "تنظیم کرده، که "درسهای ضد مارکسیسم" است. جالب است، که وی این اثر "خود را در شهریور ماه ۱۳۵۴ در ارجح ترور و اختناق حاکم بر ایران، تحت اجازه شماره ۸۴۱ دستگاه سانسور ساواک منتشر ساخته است. و این فقط نمونه‌ای از مبارزات "انقلابی" جلال‌الدین فارسی، یکی از مهر های با نفوذ جمهوری اسلامی ایران در دوره رژیم شاه می‌باشد.

ضد کمونیست‌های حرفه‌ای تعلیم دیده در مکتب ساواک، که در ماه‌های نخست بعد از تریبون ترس خشم و نفرت توده‌های زحمتکش هر یک به گوشه‌های خزیده و دم فرو بسته بودند، پس از آغاز فعالیت مجدد مامورین ساواک در ارگانه‌های اطلاعاتی جمهوری اسلامی و جان گرفتن روحانیون راستگرا و رسیدن نیروهای تازه نفس تربیت شده در ایالات متحده آمریکا در روی صحنه ظاهر شدند. رسانه‌های گروهی از "اطلاعات"، "جمهوری اسلامی"، "کیهان" "پیام انقلاب" و غیره گرفته تا رادیو و تلویزیون و مساجد به جولانگاه آنان تبدیل شد.

تلیخات ضد کمونیستی و ضد شوروی در ایران وقتی به اوج رسید، که رونالد ریگان "جنگ ضلیبی" علیه کمونیسم و اتحاد شوروی را اعلام کرد. عمال امپریالیسم آمریکا در ایران با الهام از آریاب، در شاه توده‌های ستیزی و شوروی ستیزی مسابقه گذاردند و برای اینکه نظرات مخفی خود را "مستند" وانمود سازند به نقل قول از یکدیگر می‌پردازند.

سید عطاءالله مهاجرانی نماینده مجلس و نویسنده اراجیف ضد توده‌های و ضد شوروی در "اطلاعات" برای اثبات "حانیت" خود از نوشتار سراپا تحریف و دروغ جلال‌الدین فارسی و خلیل ملکی مدد می‌گیرد و جلال‌الدین فارسی متقابلا در سخنرانیهایش دست بدامسان عطاءالله مهاجرانی می‌شود. در عمل هم هر دو آنان و هم نویسندگان "اطلاعات" و جمهوری اسلامی و "پیام انقلاب" و غیره طوطی وار آنچه استاد ازل گفت بگو می‌گویند. همدانگی این آقایان با امپریالیسم در عرصه کمونیسم ستیزی نه ادعا، بل حقیقت عریان است.

اظهارات نخست‌وزیر انگلستان را در سال ۱۹۸۰ بخاطر آورد. وی در آن ایام صریحا گفت، باید چنان کارزار تبلیغاتی علیه گسترش کمونیسم آغاز کرد، که در تاریخ بیسابقه است (مورنینگ استار ۵/۷/۱۹۸۰) متعاقب

آن تره‌های رونالد ریگان پیرامون "از بین بردن سوسیالیسم بعثت به شایسته سیستم جهانی" حذف کمونیسم بعثتوان پدیده غیر عادی و غیر طبیعی در تاریخ بشر" و "انداختن مارکسیسم - لنینیسم به زیاده از تاریخ" مطرح شد. سپس کشورهای عضو پیمان تجا و زنگار ناتو، بر پایه این تره‌های سخیف "جنگ روانی" در مقیاس جهانی را سازمان دادند.

در اوت ۱۹۸۱ رونالد ریگان برنامه ویژه "حقیقت" را که می‌توان و باید "دروغ" نامید به تصویب رساند که محتوی آن تهمت بیشرمانه به سیاست خارجی و نظام اجتماعی - سیاسی اتحاد شوروی و تبلیغ "طرز زندگی آمریکائی" بود. این برنامه می‌بایست به تدریج در تمام جهان و از جمله کشورهای رشد یافته به موقع اجراء در آید.

دولت ریگان، که شوروی ستیزی را محسور استراتژی خود در سیاست خارجی قرار داده بود، کوشید مبارزات آزاد بیخشن در سراسر جهان را بعثت "توسعه طلبی" اتحاد شوروی جلوهگر سازد، سعی کرد مشکلاتی را که صدها میلیون انسان در سراسر جهان با آن روبرو هستند، نه زائیده سیاست ضد بشری امپریالیسم، بل نتیجه سیاست باصطلاح بسط منطقه نفوذ شوروی معرفی کند.

حال به بنیین ضد کمونیست‌های حرفه‌ای در ایران چه می‌گویند و چه می‌نویسند. سید عطاءالله مهاجرانی در سلسله مقالات ضد توده‌ها و ضد شوروی بدون اندکی کم و کاست گفته‌های مبلغین امپریالیسم را تکرار می‌کند. مثلا، او می‌نویسد، گویا حکومت شوروی در سیاست خارجی خود هدف‌هایی را دنبال نموده است، که بنظر وی عبارتند از "تقویت بنیه نظامی شوروی، توسعه قلمرو شوروی" و بسط منطقه نفوذ شوروی. نویسنده بدون احساس هیچگونه مسئولیتی همه کشورهای سوسیالیستی را "قلمرو" شوروی می‌نامد و می‌افزاید، اتحاد شوروی به "بسط نفوذ از طریق احزاب کمونیست و دولت‌هایی که با کودتای روسی روی کار می‌آیند" می‌کوشد. آقای مهاجرانی ادعا می‌کند که کشورهای بیطرف هم یکدست در "منطقه نفوذ شوروی قرار دارند" (اطلاعات ۲ خرداد ماه ۶۲).

آیا نویسنده "مسلمان" و "متعهد" برای اثبات نظرات سخیف خود دلیل، مدرک و نمونه‌ای ذکر می‌کند؟ اصلا و ابدا! او مامور تکرار ترهات سرهمبندی شده توسط "مراکز پژوهشی" ضد شوروی غرب است. روسها در کدام کشور کودتا کرده‌اند؟ سید عطاءالله مهاجرانی آشکارا اتحاد شوروی را جایگزین ایالات متحده آمریکا می‌کند. زیرا همسره می‌دانند، کودتا از شیوه‌های سیا است.

# ۱۰ سال از شهادت رفیق هوشنگ تیزابی گذشت تیزابی: قهرمانی دیگر از تبار شهیدان توده‌ای



زندگی خود چیزی مهلك تر از نیش افسی و زهر هلاهل ساخت .

این هنوز کافی نیست . باید حتی مرگ خود را به صورت دشمنی برای آخرین ضربت و سنگر پرطیسی برای آنهايي که رزم حاصلخیز ما را ادامه خواهند داد، در آورد . و باز این هنوز کم است .

فرزندان "ارانی" و رفیقان "روزبه" هر ذره از خاطرات و هر قطره از یادگارهایی را که از خود به ارث می‌گذارند، اگر نه بذری از خرمن دانایی و حقیقت، لاقل باید شیاری از شخم زمیسن خون آلودی باشد که این خرمن مقدس را بسه بار می‌آورد .

**ده سال پیش عاشقی که این کلمات را گفتو پیدان عمل کرده بود، ابدی گشت!**

رفیق هوشنگ تیزابی در آذرماه ۱۳۲۲ در شهر تهران متولد شد . و پس از پایان دوران دبیرستان در سال ۴۰-۴۱ وارد دانشگاه تهران گردید . او معتقد بود که مرزی بین زندگی و مبارزه نیست، زندگی خود مبارزه است، با چنین برداشتی بود که در جریان فعالیت سیاسی خود چند بار به زندان افتاده شد . در سال ۱۳۴۴ بار دیگر دستگیر شد . پس از شکنجه‌های فراوان در مخیمان پهنوی او را به بیدادگاه نظامی بردند . صحنه بیدادگاه نظامی به عرصه مبارزه علیه تجاوزات رژیم، به حقوق پایمال شده توده‌های مردم بدل گردید . هنگامیکه رئیس بیدادگاه از او خواست که لحن خود را ملایم سازد تا در مدت محکومیتش تخفیف قائل شود رفیق تیزابی پاسخ داد:

" من شرافت اخلاقی و ایدئولوژیکی ام را به هیچ چیز نفروخته و نخواهم فروخت، میثاق من با توده‌های زحمتکش عالیترین و عمیقترین پیوند هاست ."

رفیق در بیدادگاه به ده سال زندان محکوم شد، که به علت کمی سن این مدت به پنج سال کاهش یافت . او به رغم تمام زجرها و در راه دشوار مبارزه، حزب توده، ایران را یافت . او می‌گفت:

" من از نفرت شروع کردم و به ایمان رسیدم . نفرت از حزب توده میراث پدرم بود، اما ایمان به این حزب، نبرد و شهادت و سو-سیالیسم را خودم یافتم . کینه‌ام کور بود، اما ایمانم چراغ در دست داشت . هیچ دستی بالاتر از دست حقیقت نیست ."

در شرایطی که ترور و اختناق و سانسور،

در ریح قرن اخیر هرگاه امیرالیسم و ارتجاع بین‌المللی و همپالکی‌های " وطنی " شان کسو-شیدند سلطه بی‌بند و بار خود را در ایران جاودانه سازند، مجبور بودند و هستند تا فساد و غارت، اشک و خون را بی‌مرگ و انتها سازند. ولی فراموشی‌ان مستمگرم وقتی میخواهند با تطمیع و تهدید، با نیرنگ و زور، با زندان و شکنجه و اعدام " خطری " که موجودیت ننگین آنها را تهدید میکند، از بین ببرند، دیگر واقعا در چار چوب محدودیت فکری طبقاتی خود اسپرند . آنها نمی‌توانند درنگ کنند که با زور سیم و یا داغ و درفش نمی‌توان از تکامل تاریخ جلو گرفت، که خلعها یا تن خونین از شکنجه ستمگران و بادل اندوهگین از شهادت همزمان، ولی سرانجام به آزادی خود دست خواهند یافت .

در این میدان رزم و فتح پیشقراولان نسل جدید شهیدای توده‌ای نیرو و پهلوانی میدهند، اخگر می‌افشانند و بیشتر از بسیاری در زنگهای حیات و ضریبان قلب جهان حضور دارند .

رفیق شهید تیزابی یکی از آن دلاورانی بود که مانند همه انقلابیون راستین، گفتار و کردار را همساز کرد و در جاده حزب توده، ایران گام گذاشت . او نه یک پدیده تصادفی، بلکه یک پدیده، قانونمند در تکامل تفکر انقلابی جمله ما و از شاگردان راستین دبستان اندیشه‌های ارانی است . او از فاتحان نام آور شکنجه - گاههای شاهنشاهی است . در قصاب‌خانه‌های اوین تا آخرین مرز مقاومت و حماسه رفت و از آنجا پرواز بلند مرگ را آغاز کرد . نام او شجعی است که از فراز همه زندانها و شکنجه‌گاههای زمین میگذرد و به جانهای که هنوز مردند، نهیب می‌زند:

" رفقا! بن بست وجود ندارد، دیوارهای خودتان را بشکنید، آن قشون یک تنه را از اعماق وجودتان صدا بزنید ."

او مظهری از آندسته مبارزان جوان و پرشوری است که از نخستین گام راه درست نبرد را نیافته بودند، ولی در جریان نبرد، در برخورد با واقعیات، در رویارویی با منطق بی‌تردید حقایق سرسخت و بقیمت تجربه‌های پردرد بی‌بردند: راهیکه حزب توده، ایران نشان میدهد، راه درستی است، راه نبرد توده‌ای، راه شکل مبارزه طبقاتی و ملی، راه استفاده از همه اشکال نبرد بغرآخر وضع و نیزو و بنابه مقتضیات زمان .

تیزابیی وصیت کرد:

" باید سراپا خوف و کابوس بود، باید از

افسار گسیخته در همه جا حکم میراند، تیزابیی دست به انتشار نشریه‌های مخفی و سیاسی بنام " بسوی حزب " زد . او میخواست تا جوانترها تجربه تلخ او را در یافتن راه از بیراه تکرار نکنند . او این تجربه را همواره با افسوس بسه یاد می‌آورد:

" کلاه گشادی سرما گذاشته بودند، به ما تزریق کرده بودند که حزب توده یک دکسان سیاسی است . یک دکان سیاسی که با اشاره انگشت کوچک استالین بوجود آمده . سرگذشت چند تار رهبر عاجز و زیون و یک مشت سیاہی-لشکر بی بو و خاصیت را بجای شناسنامه تمام عیار یک حزب کبیر، حزب شهید او قهرمان ها به ما قالب کرده بودند . بی شرفها چسبه تردستانند! ما از این منظره احساس تهوع میکردیم، اما وقتی خودمان را از دست رسوینات تبلیغاتی، که ذهن جامعه روشنفکری را پر کرده بود، رهاوندیم روزبه و سیامک و وارطان و شومتری و آرسن را یافتیم، میشری و وکیلی و محقق زاده و هزاران قهرمان گمنام را کشف کردیم . میراث جاودانی از تعالیم مارکسیسم - لنینیسم را که با تار و پود میهن ما آمیخته و هزاران هزار آتش زیر خاکستر بجا گذاشته، باز یافتیم و در چهره حزب، چهره قهرمانان و آرشهای زند موبیدار برای اثبات فعالیت یک حزب رزمجو کافی بودند . آنگاه از قضاوت خود شرمسار شدیم ."

بقیه در صفحه ۱۵

## توده‌ای قهرمان راهت ادامه دارد!

# قانون روابط موجر و مستأجر به نفع کیست؟

قانون روابط موجر و مستأجر در جلسه ۱۳ اردیبهشت ماه مجلس تصویب و در تاریخ ۱۸ همان ماه به تأیید شورای نگهبان رسید و ۳۱ اردیبهشت ماه از سوی نخست وزیر به دادگستری ابلاغ شد.

در چهار سال اخیر روابط موجر و مستأجر تاریخچه آموزنده‌ای را سیر کرده است. پس از سرنگونی رژیم شاه، شورای انقلاب تحت فشار افکار عمومی، بموجب تصویب‌نامه‌های اجرای احکام تخلیه را به مدت شش ماه متوقف ساخت. این تصویب‌نامه دو بار دیگر تعدید شد.

سرانجام در آبان‌ماه ۱۳۵۹ تعدید مجدد این تصویب‌نامه بشکل لایحه قانونی به مجلس ارجاع شد، که با مخالفت شدید مالکین بزرگ روبرو شد. مجلس پس از شش ماه، یعنی در اردیبهشت ماه ۱۳۶۰ لایحه توقف اجرای احکام تخلیه را رد کرد و مقررات قانونی سال ۱۳۵۶ مصوب رژیم شاه را لازم‌الاجراء دانست.

این عمل مجلس با اعتراض شدید زحمتکشان مواجه گردید. هیئت حاکمه برای تسکین افکار عمومی، استفاده از "اختیارات ولایت قیبه" در تشخیص ضرورتها را مطرح کرد و لایحه توقف احکام تخلیه مجدداً به مجلس رفت. در آبان‌ماه ۱۳۶۰ لایحه به تصویب مجلس رسید، ولی فقهای شورای نگهبان مقررات قانون را "خلاف احکام شرع" شناخته و رد کردند.

همروز با کشمکش بر سر لایحه توقف احکام تخلیه، لایحه مربوط به روابط مالک و مستأجر نیز مورد بحث قرار گرفت. چهارم نخست وزیر، از جمله آقای موسوی "مطالعه آنرا ادامه دادند و نخستین لایحه، پس از گذار از بیج و خم‌های انواع کمیسیون‌ها، جلسات متعدد با شورای عالی قضائی و وزارت دادگستری و سعی فراوان برای حفظ منافع مالکین، بالاخره به مجلس شورای اسلامی تسلیم شد.

ولی قانونی که مجلس به تصویب رساند، با وجود حفظ منافع مالکین، مورد پسند شورای نگهبان قرار نگرفت. اعضاء شورای مزبور به این نتیجه رسیدند، که مقررات قانونی "تقدس مالکیت" را در نظر نگرفته است. ۲۴ بهمن ماه ۱۳۶۱ آقای مهدوی کنسی عضو فقهای شورای نگهبان اعلام داشت، که قانون بعلت "اشکالات" موجود در آن رد و به دولت باز پس گردانده شد.

کمیسیون‌ها دوباره شروع بکار کردند و سرانجام شیر بی یال و دم و اشکمی بنام قانون روابط موجر و مستأجر مصوب ۱۳ اردیبهشت ماه را، با حفظ منافع کامل "مالکین محترم" عرضه داشتند. این قانون، مشتعل بر ۱۵ ماده و ۹ تبصره است. مقررات قانون جدید در کلیه موارد تعیین اجاره، صدور احکام تخلیه و غیره، که از مشکلات عمده صدها هزار مستأجر است، از مالکین جانبداری می‌کند.

در ماده ۳ گفته می‌شود: "اجاره بها هر محل، همان است، که در اجاره‌نامه قید شده و اگر اجاره‌نامه‌ای نباشد، به مقداری است که بین طرفین مقرر یا عملی شده است." تبعیت از قرارداد و توافق چیزی جز بهانه شرعی سودجویی و سوء استفاده مالکین نیست. بموجب ماده ۴، مستأجر موظف است در موعد تعیین شده از طرف مالک، اجاره بها را به پرداخت. در غیر اینصورت مالک حق دارد ۱۰ روز بعد از موعد تعیین شده، به دفترخانه تنظیم کننده اجاره‌نامه مراجعه و تقاضای تخلیه کند. بدینسان "حق مشروع" مالک در صدور حکم تخلیه ملحوظ شده است. در این ماده گفته می‌شود، در صورتیکه "مستأجر لیسلی موجبی بر عدم پرداخت به دادگاه صالح ارائه کند، دادگاه عملیات اجرائی را متوقف و اجرائیه را ابطال می‌نماید." ولی بند ۷ ماده ۵، این یگانه راه گریز مستأجر از تعدی موجر را نیز مسدود می‌کند. زیرا بند ۷ تصریح می‌کند "حق فسخ موجر در صورت تخلف مستأجر از پرداخت اجاره بها در موعد مقرر یا سایر شروط اجاره نامه" باید در اجاره‌نامه گنجانده شود. چنانکه ملاحظه می‌شود، بند ۷ ماده ۵ در تعارض آشکار با ماده ۴ است.

بند ۶ از ماده ۵ مستأجر را متعهد می‌سازد، پس از انقضای مدت اجاره مسکن را تخلیه نماید و یا اجاره را با رضایت موجر تجدید کند. این مقررات اجاره خانه را تابع تمایل مالک می‌کند. یگانه ماده‌ای که "حامیان مستضعفین" بدان می‌بالند، ماده ۹ قانون جدید است. در این ماده چنین می‌خوانیم: "در مواردی که دادگاه تخلیه ملک مورد اجاره را به لحاظ کمبود مسکن موجب عسر و حرج مستأجر بداند و معارض با عسر و حرج موجر نباشد، می‌تواند مهلتی برای مستأجر قرار بدهد."

در این ماده موضوع "عسر و حرج" هم شامل مستأجر و هم شامل مالک است. معنای ماده ۹ این است، که اگر تخلیه محل مورد اجاره، مستأجر را در مضیقه و تنگنا قرار دهد، حکم تخلیه با رضایت مالک برای مدتی به تأخیر خوانند افتاد، آنهم بشرطی که مستأجر مالک را در مضیقه و تنگنا نگذارد. با اندکی دقت می‌توان دید، که ماده ۹ مانع از صدور حکم تخلیه نخواهد بود و قطع‌مهلتی به مستأجر خواهد داد تا مسکن دیگری با شرایط کم‌تر شکن پیدا کند.

چنین است مفهوم حل‌علی‌معضل مسکن امروز در قاموس استرگرایان و تسلیم‌طلبان. در حالیکه روزی (۲۳ مهرماه ۱۳۵۸) روزنامه "اطلاعات" مصادحه‌ای با آیت‌الله خسرو شاهی رئیس هیئت امنای بنیاد مسکن پیرامون "طرح انقلابی مسکن" منتشر ساخت، وی در این مصاحبه اعلام داشته بود، که در ظرف

سه سال، "تمام ملت ایران در سرتاسر کشور همه صاحب یک واحد مسکونی خواهند شد، همانطور که اکنون هر فرد ایرانی دارای یک پیراهن می‌باشد و پیراهن ارزشی ندارد، مسکن هم پس از سه سال برای تمام ملت ایران که صاحب خانه شدند به همین شکل خواهد شد."

آیت‌الله خسروشاهی اظهار داشت: "با توجه به طرح‌هایی که در آینده داریم ملت نباید غصه خانرا بخورد. زیرا خانه بصورت یک امر عادی در خواهد آمد. حتی برای دانشجویان و بازنشسته‌ها، همه اینها را بررسی کرده‌ایم که در مملکتان هیچ دانشجویی هم فکر خانه نکند. در این مورد آیت‌الله گفته‌های شاه، مخلوع را عیناً تکرار کرد. شاه پس از اعلام اصل باصطلاح نوسازی به‌شابه یکی از اصول "انقلاب سفید" وعده "مسکن در حین کار و بعد مسکن در موقع بازنشستگی و زندگی شخصی" بسیاری همگان داد. (تهران اکونومیست، ۲۹ شهریور ۱۳۵۴).

جالبترین بخش این مصاحبه پایان سخن آیت‌الله بود که گفت: "اگر تا سه سال کسی صاحب خانه نشد حق دارند که ما را بکشند، ما به تما قتل می‌دهیم در عرض سه سال تعاملت در سرتاسر کشور صاحب خانه می‌شوند."

وعده سه ساله آیت‌الله خسروشاهی و یارانش شش ماه پیش‌سری شد، ولی ملت ایران در سرتاسر کشور نه فقط صاحب واحد مسکونی شد، بلکه تنها پیراهن خود را نیز برای پرداخت اجاره بهای سرسام‌آور گرو گذاشت.

## بدون برنامه ره بجائی نیست!

بدون تردید فقط ساده اندیشان می‌توانستند تا همین مسکن، برای میلیونها ایرانی در ظرف سه سال را باور کنند. این آقایان، که سر رشته‌ای از ملکداری ندارند، بخود زحمت مطالعه آمار و ارقام و مشورت با داناتر از خود را نمی‌دهند، تا درک کنند در کشور چه می‌گذرد و چگونه می‌توان دردها را علاج کرد. تبلیغات، تبلیغات مبتذل، تنها هدف آنها است و این نیز حیرت‌آور نیست. وقتی آقایان می‌گویند، برای خاطر شریک‌چینی‌ها، برای خاطر توده‌های و برای خاطر شعری... یک اشخاص ساده لوح را چه در مجلس و چه در خارج از مجلس، وادار می‌کنند که سائلی را طرح بکنند که هرچه بیشتر ملت ایران را نابوس کنند، معنایش جز این است که باید حقایق را از توده‌های زحمتکش و "امت همیشه در صحنه" پنهان داشت؟

آخرین آمار رسمی درباره وضع مسکن مربوط بقیه در صفحه ۹



## قانون روابط موجر و مستاجر به نفع کیست؟

بقیه از صفحه ۸

به سالهای ۵۴-۵۵ است. طبق این آمار کشور با کمبودی برابر ۱۷۱۵۰۰۰ واحد مسکونی مواجه بود. ۲۱۰ اردیبهشت ماه ۱۳۵۵ روزنامه "کیهان" از قول مسئولین وقت وزارت مسکن و شهرسازی نوشت، که در ایران برای هر ۸ نفر فقط یک خانه وجود دارد. طبق برآورد هفت سال پیش، بیش از یک میلیون و هفتصد هزار خانوار ایرانی فاقد مسکن بودند.

آمار سازمان ملل متحد حاکیست، که در سال ۱۳۵۵ حدود ۳۰/۱ درصد از مسکن روستائی (که اکثر خانه های خشتی و گلی و چوبی و حصیری و یا ترکیبی از اینها است) دارای یک اتاق بودند و در ۴۸/۸ درصد مسکن های روستائی در هر اتاق سه نفر و یا بیشتر زندگی می کردند. فقط ۳/۷ درصد مسکن روستائی از برق و تنها ۰/۷ درصد آنها از آب لوله کشی استفاده می کردند.

آیا تغییری در این وضع آسافور مسکن روی داده است؟ با بحثها و مقالات و تفسیرهای روزنامه های ماههای اخیر در ایران در مورد وضع آشفته مسکن و اجاره نشینی، شکی باقی نمی ماند که تغییری در این وضع ایجاد شده است. حل معضل مسکن مستلزم داشتن برنامه دقیق علمی دراز مدت از یکسو و حل مسئله حیاتی مالک و مستاجر بسود اجاره نشینان از سوی دیگر است. حاکمیت، کسه بزنانه، جامع تامین مسکن ندارد، در مسئله موجر و مستاجر نیز مصالح میلیونها اجاره نشین محروم را فدای سود جوئی مشتی مالک کرد.

سه سال و اندی پیش آیتاله خسروشاهی سرپرست بنیاد مسکن وعده داده بود، با کمک بانک مسکن همه ملت ایران را صاحب مسکن کند. ۲۴۰ بهمن ماه ۱۳۶۱ آقای جواد بیستانی مدیر عامل بانک مسکن اعلام کرد، جمیع واحد ها مسکونی در دست احداث حدود ۴۵۰۰ واحد مسکونی توسط خود بانک و احداث ۱۰۰۰ واحد مسکونی توسط شرکتهای وابسته به بانک است. مدیر عامل بانک اظهار داشت تعداد واحد های مسکونی که پس از انقلاب تا سال ۱۳۶۱ تحویل شده از ۲۲۰۰ واحد تجاوز نکرد و در سال ۱۳۶۱ نیز مقدمات احداث فقط ۳۸۰۰ واحد مسکونی در سراسر ایران فراهم شده است.

ابتدال سیاست هیئت حاکمه در زمینه مسکن به جایی رسیده، که آقای عباس شیبانی به اجبار اعتراف می کند: "خانه ۵۰۰ هزار تومانی دو تا سه میلیون تومان معامله می شود" و "برای اجاره خانه باید ۱۰۰-۱۵۰ هزار تومان پیش پرداخت کرد"، وی در نامه سرگشاده ای پس از ارائه این پیکره ها و تذکر اینکه "همه ما مسئولیم" پیشنهاد می کند: "از هم امروز آستین ها را بالا بزنیم هر کجا منزلی خالی

است، با قیمت مناسب و عادلانه به حکم ولی امر اجاره بد هم و خرید و فروش نمائیم" (کیهان ۳۱ مرداد ماه ۶۱).

جای تردید نیست که نامه سرگشاده آقای شیبانی تنها یک عوام فریبی به قصد کاهش خشم و نفرت توده های محروم بود. کما اینکه نه کسی آستین ها را بالا زد و وارد محرکه شد و نه حکمی صادر شد. شورای نگهبان هم فقط زمانی وارد محرکه می شود، که مناقصه صاحبان ثروت بیگران مطرح شود. قانون جدید روابط موجر و مستاجر دلیل گویائی بر این است.

پیکره ها و واقعیات نشانگر آنستکه، وضع اجاره نشینان در مقایسه با قبل از انقلاب نه تنها بهبود نیافته، بلکه بر مراتب بدتر نیز شده است. ۲۹ آبان ماه ۱۳۵۵ مجله "تهران اکونومیست" نوشت، کمبود مسکن و بالا بودن اجاره خانه "سبب شده، گروه کثیری از مردم از وسایل زندگی و رفاه خود دست بشویند و همیشه در پی تامین اجاره خانه باشند و یا جواب کردن صاحبخانه بصورت کابوس همیشگی در آید". به نوشته مجله، دو ثلث درآمد افراد کم بضاعت یا با درآمد متوسط صرف پرداخت اجاره بها و کرایه خانه می گردد.

شش سال از تاریخ نگارش این مقاله می گذر شش سالی که طی آن توده های زحمتکش برای پایان دادن به ظلم رژیم ستم شاهی از جان خود ما به گذارده و انقلاب کردند. ولی نتیجه چیست؟ اگر در سال ۱۳۵۶ اجاره بها ۲۴ درصد و در سال ۱۳۵۷ حدود ۲۰/۲ درصد افزایش یافت، به نوشته "اطلاعات" (۱۵ دیماه ۶۱) در سه سال اخیر، در حالیکه حقوق کارکنان دولتی هیچ تغییری نکرده، اجاره خانه تا ۵۰۰ درصد افزایش داشته است.

آیتاله مهدوی کنی، یکی از مدافعین سر سخت صاحبان ثروت می گوید: "دولت می خواهد تمام افراد جامعه اسلامی از مسکن برخوردار شوند و برای حل این مسئله ما سه چندین میلیون واحد مسکونی نیاز داریم و زمان لازم دارد، ولی در حال حاضر باید سعی کنیم تا ارزش های معنوی اسلامی را در مردمی که مسلمانند و ۹۸ درصد به جمهوری اسلامی رای داده اند، بالا ببریم، تا آنها تشویق شوند و خودشان این مسئله را تا حد و دی حل نمایند" (اطلاعات ۲۴ بهمن ماه ۶۱).

او مدعی است که دولت می خواهد، و اعتراف می کند که، ولی نمی تواند برای جامعه مسکن تامین کند. وظیفه افراد جامعه چیست؟ روشن است، که توده های زحمتکش محتاج به نان شب، اگر می توانستند، سالها پیش مسکنی برای خود تهیه می دیدند ۱۷۰ خرداد

ماه سال گذشته جراید محاسبه ای را انتشار دادند، که بموجب آن اگر یک کارمند دولت ماهی یکمزار تومان از حقوق خود را برای مسکن پس انداز کند، بعد از ۵۱ سال خواهد توانست یک آپارتمان ۷۰ متر مربعی تهیه کند، یعنی اگر از ۲۰ سالگی شروع بکار کرده باشد، در ۷۰ سالگی صاحب مسکن خواهد شد.

ولی همه می دانند، اکثریت قاطع کارمندان دولت هیچگاه قادر به پس انداز ماهانه یکمزار تومان نیستند تا چه رسد به کارگران. بنابراین میلیونها ایرانی محکومند تا آخر عمر اسیر مالکین باشند. منظور آقای مهدوی کنی هم از "مردم مسلمان" مالکین مستغلات اند. آنانند، که باید تشویق به سرمایه گذاری در امر مسکن گردند. بدینسان راستگرایان و تسلیم طلبان در بند آنان در صدد احیاء پدیده "باز و بفروش" با پوشش اسلامی هستند.

و تا زمانیکه صاحبان مستغلات از "ارزشهای معنوی اسلامی" برخوردار گردند و ادعاها و ویژه مانند دوران شاه به صدور احکام تخلیه ادامه خواهند داد و قانون جدید روابط موجر و مستاجر مانند شمشیر داموکلس بر فرق مستاجرین آمیزان خواهد بود. و زالوهای که آقای خسروشاهی رئیس دادگاههای صلح تهران درباره آنان می گوید نه هر یک از آنها ماهانه ۶۰۰ تا ۷۰۰ هزار تومان اجاره بها دریافت می کنند (اطلاعات ۲۰ دیماه ۶۱) تا دمیدن روح ارزشهای معنوی به کالبد غارتگران، با خیال راحت شیوه جان مردم محروم و زحمتکش سپهن ما را می کند.

## سالگرد جهاد سازندگی

بقیه از صفحه ۱۱  
و نه کمک به رشد روستا است و علت عدم رشد روستا، رشد شهر نیست، بلکه روابط تولیدی قو-دالی و نیمه فئودالی و بزرگ زمینداری در روستا است.

تنها در پناه اصلاحات ارضی واقعی و صنعتی کردن کشور، میتوان از بروز فجایح تسلط کلان زمینداران و بزرگ سرمایه داران جلوگیری کرد و چنان امکاناتی بوجود آورد که دهقانان و روستا نشینان با احساس امنیت شغلی و امکانات رفاهی برای خود و خانواده خود مجبور به ترک روستا ها و محکوم به فنا شدن در بیخوله و زاغه های حاشیه شهرها نباشند.

## تصحیح وپوزش

در شماره ۴۵ "راه توده"، اشتباهاتی در چاپ نام ت. ه. ت. (کنفدراسیون عمومی کار) رخ داده که ضمن تصحیح آن، از خوانندگان نشریه پوزش می طلبیم.

# محافل دمکراتیک و مجامع مترقی زنان در سراسر جهان، نگرانی خود را در مورد سرنوشت مریم فیروز ابراز میدارند

رفیق مریم فیروز، عضو کمیته مرکزی حزب سوده، ایران و مسئول تشکیلات دمکراتیک زنان ایران، به همراه همسرش رفیق نورالدین کیانوری، دختر و نوه سیزده ساله‌اش، در ساعت ۳ بامداد روز هفدهم بهمن در منزل مسکونی خود در تهران دستگیر شد.

بدنیال دستگیری وی، عده دیگری از کادرهای "تشکیلات" نیز پزندان افتادند و سپس، اطلاع حاصل شد که وضع جسمی وی و سایر زنان در بند، در اثر شکنجه‌های وارده رضایت بخش نیست و در اعلامیه "تشکیلات دمکراتیک زنان ایران" (سازمانهای خارج از کشور)، صحبت از دست رفتن جان وی و ابراز نگرانی در این مورد شده است.

مریم فیروز، که ۵۰ سال از عمر ۷۰ ساله‌اش را وقف مبارزه در راه منافع زحمتکشان و بخصوص زنان زحمتکش میهن ما و قطع نفوذ امپریالیسم و استبداد در ایران نموده است، همانند سایر همزمانها، تنها بجرم آزادیخواهی و عدالت طلبی گرفتار "سیا" - چهرگان جمهوری اسلامی گردیده مأمورین ساواک در خدمت جمهوری اسلامی انتقام خود از میلیونها زن زحمتکش ایرانی را در سیاهالهای بی نام و نشان از وی و سایر همزمان در بندش می‌ستانند.

محافل دمکراتیک و بویژه سازمانهای زنان در نقاط مختلف جهان، که برخی از آنان با این زن پرکار و مبارز از نزدیک آشنائی داشته و به مساعی وی در راه کسب حقوق زنان زحمتکش، چه در دوران حکومت استبدادی شاه و چه پس از پیروزی انقلاب در ایران، آرج می‌نهند، از خبر دستگیری و سپس شکنجه‌های وارده بر وی شدیداً متأثر شده، از طرق مختلف، اعمال روشهای غیر انسانی یا وی و سایر زنان عضو "تشکیلات" را محکوم کرده و خواستار آزادی بلاد رنگ آنان گردیده اند.

## آلمان دمکراتیک

دبیرخانه "فدراسیون بین‌المللی دمکراتیک زنان" که در سال ۱۹۴۵ (۱۳۲۴) بلافاصله پس از جنگ جهانی دوم تشکیل و "تشکیلات دمکراتیک زنان ایران" از سال ۱۳۲۵ به عضویت آن درآمده است، ضمن ارسال نامه به کلیه سازمانهای عضو، نگرانی خود را در مورد دستگیری و شکنجه و آزار مریم فیروز و سایر زنان عضو "تشکیلات دمکراتیک زنان ایران" ابراز داشته و از آنان خواسته است، صدای اعتراض خود را بر علیه این اعمال غیر انسانی بلند کرده و همبستگی خود را با زنان مبارز زندانی اعلام نمایند.

در این نامه، سابقه مبارزاتی مریم فیروز وجودی بودن خطری که زندگی وی و سایر زنان را تهدید می‌کند بر شمرده شده و از جمله اشاره گردیده است که برخی از آنان، همراه با کودکان خرد-

سالشان باسارت جمهوری اسلامی ایران درآهانه "فدراسیون بین‌المللی دمکراتیک زنان" از خواست اعزام کمیسیون بی طرفی مرکب از حقوق دانان و پزشکان متخصص پشتیبانی کرده و از دیگر سازمانهای عضو نیز خواسته است که حمایت خود را از این خواست، بعنوان فوری ترین اقدام، اعلام نمایند.

## فرانسه

اتحادیه ایالتی ۳۰۰۰۰ (کنفدراسیون عمومی کار) در گارن علیا و تعدادی از سازمان های زنان، جوانان و دانشجویان این شهر، با ارسال نامه‌ها و مخابره تلگرامهایی به مسئولین جمهوری اسلامی و سفارت ایران در پاریس، نگرانی خود را از خطری که جان مریم فیروز، مسئول "تشکیلات دمکراتیک زنان ایران" و سایر میهن پرستان ایرانی را تهدید می‌کند، شدیداً اظهار نگرانی نموده، خواستار اعزام هر چه سریعتر کمیسیتی مرکب از پزشکان و حقوقدانان بین‌المللی، جهت بازدید از زندانیان که تحت انواع شکنجه‌های جسمی و روانی قرار دارند، گردیده‌اند.

- اتحادیه زنان فرانسه در گارن علیا UFF
- اتحادیه ملی دانشجویان فرانسه UNEF
- اتحادیه ملی لبنان
- اتحادیه ملی جوانان الجزایر
- اتحادیه ملی دانشجویان مراکش
- انجمن دانشجویان اتیوپی
- انجمن زنان مغرب (مراکش - الجزایر - تونس) در تولوز

## همبستگی با مریم فیروز و سایر زنان زندانی

پاریس - روز پنج شنبه دوم ژوئن، "کمیته دفاع از مریم فیروز" در پاریس، جلسهای به مناسبت همبستگی با زنان مبارز ایرانی و مریم فیروز مسئول "تشکیلات دمکراتیک زنان ایران" که ماههاست دستگیر شده و تحت شکنجه‌های درد منشا نه، مأمورین ساواک ج ۱۰۱۰ قرار گرفته‌اند ترتیب داد که در آن، پس از گفتاری در مورد انقلاب ایران، نقش زنان در آن و توضیقات و بده بزنان و از جمله سازمان "تشکیلات"، تاریخچه مبارزات مریم فیروز، زن بیگناهی که بیدادگانه‌های شاه، وی را غیایا محکوم و مأمورین جمهوری اسلامی، بدون هیچ مجوزی، او را همراه با خانواده‌اش به بند کشیده و حتی شایعاتی پیرامون سرگ وی در زندان، پخش شده است، بیان گردید. ضمن قرائت پیام همبستگی سازمانهای مختلف حاضرین در جلسه، پشتیبانی خود را از اعزام هیأت بی طرفی با ایران، جهت بازدید از وی و سایر

زندانیان و اطلاع دقیق از چگونگی سلامت آنان اعلام نمودند.

● شخصیتهای زیر طی انتشار بیانیه‌های به دستگیری مریم فیروز و اعمال شکنجه‌های وحشیانه در مورد وی سخت اعتراض نموده، با پیر شمردن نقشی که مسئول "تشکیلات دمکراتیک زنان ایران" در بسیج زنان ایرانی و مبارزه با ظلم کسب حقوق آنان و بویژه زنان زحمتکش این کشور ایضا نموده است، آزادی بلاد رنگ وی و سایر دمکراتهای در بند را خواستار شده‌اند:

- پیر ژانسون دبیر ۳۰۰۰۰ ت. پویشا پرتواز طرف لیگای زنان عراق
- مانوئل فرناندز دبیر سازمان پرتغالیها
- میشل مارتنی، مشاور و آل دهمارن
- یولت فوست، شهردار سنت اوان
- دبیر برتن مسئول اتحادیه زنان فرانسه UFF، تلگرامی به سفارت ج ۱۰۱۰ در پاریس مخابره نموده و آزادی فوری مریم فیروز و کلیه زندانیان سیاسی زندانی را خواستار گردیده است.

## آلمان فدرال

دبیرخانه مجمع دمکراتیک زنان DFI، در کلن (آلمان فدرال) طی ارسال تلگرامهایی به مسئولین جمهوری اسلامی ایران، به نقض حقوق بشر در ایران شدیداً اعتراض نموده و آزادی فوری مریم فیروز و سایر میهن پرستان در بند را خواستار گردیده است.

● زنان حزب کمونیست آلمان، ضمن ارسال نامه به مسئولین ج ۱۰۱۰، تحجب و نگرانی زنان عضو این گروه را از دریافت خبر دستگیری و شکنجه مریم فیروز و سایر زنان همزمز وی ابراز داشته است.

گروه زنان حزب کمونیست، با اشاره به سابقه مبارزاتی و اهداف میهن پرستانه، مریم فیروز، این اعمال را در مورد وی و سایر زنان غیر موجه میداند و اطلاع دقیق از وضع جسمی و آزادی فوری آنان را خواستار گردیده است.

● کمیته زنان خارجی و آلمانی - آلمان فدرال، مراتب نگرانی شدید خود را از دریافت خبر مربوط به دستگیری و شکنجه اعضای "تشکیلات دمکراتیک زنان ایران" و بویژه مریم فیروز، مسئول این سازمان، طی ارسال نامه‌هایی به مقامات ج ۱۰۱۰ ابراز و اعمال روشهای وحشیانه در مورد آنان را قویاً محکوم مینماید.

● گروهی مرکب از ۷۰ نفر از اعضای سازمان زنان شهر زیگن در آلمان فدرال، در تلگرامی که خطاب به مجلس شورای اسلامی ایران، مخابره شده است، از اینکه مریم فیروز و سایر دمکراتها در ایران، بدون هیچ مجوز قانونی بزنند ان افکنده شده و تحت شکنجه‌های وحشیانه قرار گرفته‌اند، شدیداً ابراز تفر کرده، اعزام هر چه

# سالگرد جهاد سازندگی

## مهاجرت روستایی و علل آن

در طی هفته های اخیر، بمناسبت سالگرد جهاد سازندگی، مسائل روستائی جامعه ایران در سطح سمینارها و جلسات گرد هم آئی مشورتی مقامات کشوری ذیربط، و با حضور عسده ای از دهقانان و روستائیمان که عللاً نقش ناظر بسه آنان تفویض شده بود، مطرح شد.

موضوع مهاجرت روستائی در مرکز توجه اکثر سخنرانان این جلسات بود، که یکی از جوانب مسئله عمده و اساسی تضاد شهر و روستا است.

تضاد شهر و روستا، یعنی تضاد عقب ماندگی فرهنگی، اقتصادی و خدماتی در بخشی از جامعه یعنی ده، در قیاس با بخش دیگر - شهر - بسا رشد سرمایه داری ایجاد و در نتیجه تسلط و گسترش صنعت در جامعه سرمایه داری تشدید می شود.

حاصل اجتماعی این تضاد آنست که دهقانی که تولیدش کفاف هزینه های روستا را ندهد، یعنی دهقانان کم زمین رو بسبب ورشکستگی و خیل عظیم دهقانان بی زمین کد دیگر امکان گذران بخور نمیر در روستا را از دست دادند، به امید یافتن کار از روستا به شهر مهاجرت می کنند.

در ابتدای رشد سرمایه داری، از جمله در انگلستان سرمایه داران برای به چنگ آوردن نیروی کار ارزان دهقانان حتی به تخریب روستاها و راندن دهقانان به شهرها دست زدند.

این تضاد بین شهر و ده نه فقط در کشورهای در حال رشد که دهقانان اکثریت جمعیت آن را تشکیل میدهند و بعلت سلطه استعمارگران و سرمایه داری وابسته و بقایای فئودالیسم عقب نشانه داشته شده اند، بلکه در سایر کشورهای سرمایه داری، حتی پیشرفته ترین آنها نیز موجود است و تا زمانی که روابط سرمایه داری برقرار است حل نخواهد شد.

حل این تضاد هنگامی امکان پذیر است که بنا تحول بنیادین انقلابی در جامعه حاکمیت سرمایه داران و زمینداران ملتی گردد و با ایجاد حکومت خلقی زمین در اختیار دهقانان و تعاونها و واحدهای دولتی کشاورزی قرار گیرد و دولت همه گونه کمک اعم از ایجاد امکانات برای تسطیح و آبیاری زمین تا دادن کود و سایر خدمات لازم در اختیار دهقانان قرار دهد و خرید محصولات با قیمت عادلانه و تضمین شده را توسط سازمانهای دولتی و اجتماعی سازمان دهد. این پیش شرطهای لازم، زمینه ارتقا سطح فرهنگ و دانش و بهداشت را در روستا ایجاد میکند و از این طریق تضاد بین شهر و ده رویه زوال گدازده و در نهایت همانند گذشته سرمایه داری، به زواله دان تاریخ سپرده خواهد شد.

در مبین ما ایران این تضاد، تضاد روستای

# بمناسبت

## دومین سالگرد

### فاجعه هفتم تیر

#### "افتخار" را چگونه می شود نادیده گرفت؟

هفتم تیر همد ف بود با توطئه شوم و خیانت بار امپریالیسم آمریکا و ساواک سازمان یافته به رهبری "سیا"، که به ترور شخصیتهای برجستهای همانند بهشتی و منتظری انجامید.

آقای حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی در دیدار با اعضای ستاد برگزاری نخستین کنگره حزب جمهوری اسلامی گفتند:

"افتخاری را که چهرههایی چون شهید بهشتی و با هنر برای حزب جمهوری اسلامی بجا گذاشتند چگونه میشود نادیده گرفت. (اطلاعات شنبه ۱۷ اردیبهشت ۱۳۶۲)

جواب به این سوال با توجه به بیانات شهید بهشتی مندرج در "ضمیمه" اقتصاد "دی" روزنامه اطلاعات ۱۷ مرداد ۱۳۶۱ بسیار روشن است. شهید بهشتی میگوید:

"... جمع بندی این که ما باید روی سرمایه داری تکیه کنیم، و هیچ رحم نکنید که سرمایه داری بتواند در این جامعه بماند. همین مقدارش هم که هست، باید ریشه کن کنیم. واقعا اگر فردی، جمعی، گروهی، ذره ای در این مسئله تردید بکنند، خطرهای بزرگی متوجه این نعمت های که در پرتو انقلاب به دست آمده کرده اند. ما در این باره نباید هیچ تردید بکنیم. هیچ درنگ نکنیم و هیچ وقت تلف نکنیم، تا با تمام توانمان جلوی سلطه سرمایه داری خارجی، داخلی وابسته، داخلی غیر وابسته (فرقی نمی کند باید جلوی همه این ها را) بگیریم. برای این منظور کارهای زیادی باید انجام بدهیم."

آیا هنوز راه "نادیده گرفتن" شهید بهشتی برایشان ناروشن است؟

عقد قرارداد های تجارتي با کشورهای و شرکت های امپریالیستی و تصویب قرارداد اقتصاد دی همه جانبه با پاکستان و افزایش تجارت با ترکیه به میزان چهل برابر دوران شاه، و سایر کشورهای که برای امپریالیسم و در رأس آن امپریالیسم آمریکا دلالتی می کنند جز "نادیده گرفتن" نظریات شهید بهشتی ها نیست!

آیا وجود محترمان و کلان سرمایه دارانی چون خاموشی و پورا ستاد، کاندیداهای حزب جمهوری اسلامی در انتخابات میان دوره ای، مجلس شورای اسلامی و تصویب "اعتبارنامه" های تنگنای آنها، احترام به نظرات شهید بهشتی و برنامه "دولت شهید با هنر می باشد که سرمایه داری وابسته و غیر وابسته" را در جمهوری اسلامی "نفی" می کردند؟

در بند بقایای فئودالی با شهر تحت سلطه سرمایه داری بزرگ و وابسته قرار داشته و دارد. فوریت حل مسائل و مشکلات ناشی از عقب ماندگی روستائی به ارث مانده از رژیم گذشته به حدی بود که یلا فاصله پس از پیروزی انقلاب نیروهای روستائی و انقلابی اقدام به تشکیل نهاد جهاد سازندگی با هدف رفع مشکلات روستائیمان نمودند.

جهادگران با کمک ده دهقانان محروم برای گرفتن زمین از غاصبان بزرگ زمین و بعنوان ضابطین اجراء قانون اصلاحات ارضی صوب شورای انقلاب با عضویت در هیات های هفت نفره تقسیم زمین و همچنین اقدام برای بردن بهداشت و فرهنگ و خدمات به روستا مشا خدماتی به روستائیان مبین ما شدند.

پس از توقف اجرای قانون اصلاحات ارضی صوب شورای انقلاب و پیروزی بند "ج" آن که ترس فشار راستگرایان مدافع بزرگ زمینداری و کسلان سرمایه داری انجام گرفت و به تشدید مشکلات و نابسامانی های زندگی دهقانان و از جمله شتاب روز افزون مهاجرت روستائیان به شهر انجامید، کارائی جهاد سازندگی را برای حل معضلات روستائی بیعزیزان قابل توجهی کاهش داد.

تأثیر منفی توقف اجرای قانون اصلاحات ارضی از مواردی بود که یکی از اعضای مرکز هماهنگی شورا های اسلامی روستائی به آن اشاره میکند.

وی در صاحبه اختصاصی با روزنامه اطلاعات، به این مسئله اساسی که راه حل واقعی مشکلات روستا، اصلاحات ارضی بنیادین و لغو مالکیت بزرگ زمینداری است، میگوید: "در بعضی از روستاها تحول لازم رخ نداده و اگر این حاکمیت و سلطه آثار آن از میان نرود هر خدمتی هم که در روستا توسط جهاد ریا هر ارگان دیگر انجام شود به نفع قشر مرفه خواهد بود و (نه به نفع طبقه محروم و مستضعف) (اطلاعات ۲۲ خرداد) عدم کارائی اقدامات دوزخ آن اصلاحات ارضی واقعی و واگذاری امکانات دولتی باید قرار گیرد وضعیتی بحرانی بوجود آورده است که انعکاس آنرا میتوان در سخنان مسئولین امر مشاهده کرد.

در قسمتی از گزارش عملکرد چهار ساله جهاد سازندگی، راه حل ارائه شده برای رفع این مشکل، از جمله آمده است:

"باید تولید را در روستا افزایش داد و شهر مصرفی را به تبعیت از احیای روستاها آید کرد، زیرا اصولاً زندگی مصرفی خود کفایی نیست بلکه ادامه وابستگی است." (آقای رنگه عضو شورای مرکزی جهاد سازندگی، اطلاعات ۲۸ خرداد)

این راه حل، در بهترین حالت، ایجاد رشد برای روستا به قیمت خفه کردن رشد شهرهاست که تصور ساده بینانه است و نتیجه آن تقسیم فقر بقیه در صفحه ۹

## در هفته‌ای که گذشت:

### چرا جمهوری اسلامی ایران در برابر توطئه‌های امپریالیسم آمریکا در خلیج فارس سکوت کرده است؟

دو هفته قبل روزنامه جمهوری اسلامی (۲۳ خرداد) با نظر تأیید آمیز خبر تشکیل سپاه مدخله سریع "شورای همکاری خلیج" را منتشر کرد، که در موقع خود "راه توده" آنرا مورد بررسی قرار داد.

در پی روزنامه جمهوری اسلامی، روزنامه صبح آزادگان (۳۱ خرداد) متن مصاحبه شیخ خلیفه بن زاید ولیعهد ابوظبی با یک روزنامه عربستان سعودی در مورد مانور مشترک نظامی کشورهای "صو" شورای همکاری خلیج" را در ماه اکتبر آینده در امارات متحده بی‌هیچ کم و کاستی و بدون هرگونه اظهار نظر تفسیر درج کرد.

نکته مشترک اینکه هیچکدام از این دو روزنامه کوچکترین اشاره‌ای به ماهیت واقعی این توطئه امپریالیستی و به ویژه به این واقعیت آشکار که نه فقط تشکیل سپاه مدخله سریع شورای همکاری خلیج، بلکه خود تشکیل "شورای همکاری خلیج" محصول سیاست تجاوزی امپریالیسم بسرکردگی امپریالیسم آمریکا است، اشاره نکردند.

علاوه بر مطبوعات مجاز کشور، دولت جمهوری اسلامی ایران نیز در قبال این توطئه، که طیفه منافع خلقهای منطقه و برای سرکوب جنبشهای آزاد بیخس در منطقه است، تا کنون هیچگونه واکنشی از خود نشان نداده است.

این سیاست حاکم بر جمهوری اسلامی ایران تازگی ندارد و مدت‌هاست که بر اثر غلبه راستگرایان حساسیت خود را در برابر توطئه‌ها و ناسیس امپریالیسم آمریکا از دست داده است.

سکوت جمهوری اسلامی ایران نیز بی‌علت نیست، چرا که دولت ج ۱۰۱۰ به این گفته‌های ولیعهد ابوظبی که می‌گوید:

"نیروهای امارات عربی متحده، عربستان سعودی، کویت، قطر، بحرین و عمان بمنظور تأکید بر علاقه این کشورها به آزاد نگه داشتن منطقه از نفوذ و مداخله ابر قدرت‌ها و حفظ ثباتی که مردم خواهان آن هستند اقدام به این مانور می‌نماید... و امنیت خلیج فارس... فقط از طریق همکاری مثبت بین تمام کشورهای خلیج فارس تحقق خواهد یافت" (صبح آزادگان ۳۱ خرداد)، باور دارد و آنرا مطابق سیاست "نه شرقی، نه غربی" خود یافته است.

نظیر همین موضع از سوی آقای خامنه‌ای رئیس جمهور اسلامی ایران، در پاسخ به سؤال خبرنگار مجله "صوت الخلیج" که آیا بهیچ روابط ایران با کشور عربستان سعودی صحبت دارد تأکید می‌شود. وی می‌گوید:

"بله صحت دارد، و سیاست ما در قبال کشورهای حوزه خلیج فارس به استثنای کشور عراق در جهت کاهش تشنج‌ها استوار است. و برینای همین سیاست بود که دیدارها و نشستهایی با تمامی کشورهای خلیج فارس صورت گرفت، و این دیدارها و گفتگوها امیدوارکننده بوده است."

تشابه سیاست حاکمیت جمهوری اسلامی ایران و حکام معلوم الحال کشورهای خلیج فارس را که در وابستگی‌شان به امپریالیسم جهانی و خصوصاً امپریالیسم آمریکا شکی نیست، می‌توان همچنین در بستن قرارداد های همکاری استراتژیک با عوامل آمریکا در منطقه (بولابده منظور حفظ ثبات و امنیت!) یعنی ترکیه و پاکستان دید. آری اینهاست دلایل سکوت تأیید آمیز وزارت امور خارجه و دولت جمهوری اسلامی ایران در قبال خطر تشکیل سپاه "مدخله سریع" کشورهای مرتجع منطقه و مانورهای نظامی آنها. ولی مردم ایران ماهیت این گونه مانورهای نظامی و دسته بندی‌های نظامی را خوب می‌شناسند و هنوز بیاد دارند که در آذرماه سال گذشته نیز نیروهای تجاوز سریع "آمریکا در عمان با همکاری همین کشورهای عضو "شورای همکاری خلیج" اقدام به مانور نظمی نمودند.

مردم انقلابی ما منظور از حفظ ثبات منطقه را از زیان وابستگی به امپریالیسم به‌خوبی درک می‌کنند و هنوز نقش ژاندارمی رژیم شاهمی - ساواکی گذشته را برای حفظ "ثبات منطقه" فراموش نکرده‌اند.

### لیست فاکامل

آقای فخرالدین حجازی، نماینده اول تهران در مجلس شورای اسلامی، در یک سخنرانی در مجلس (۲۹ خرداد ۱۳۶۲ - مندرج در اطلاعات ۳۰ خرداد ۶۲) حقایق دردناکی را اذعان داشته است.

آقای حجازی که خود را در این سخنرانی مدافع اصل ۴۹ قانون اساسی و نامرد میسازد، به وضع موجود خاندان و انقلاب، پرانداز اشاره کرد و اظهار داشت، که این غارتگران، که میلیون‌ها ثروت این ملت را دزدیده و چاپید هاند، با آوردن نامه‌هایی (!) "باز پس گرفتن کارخانه‌ها" را میطلبند و عده‌ای نیز از آنان دفاع میکنند (!).

وی در ادامه سخنانش می‌گوید "من چه گویم که هنوز امیر کلالی‌ها در مشهد هزاران هکتار زمین دارند، خانلرها در بجنورد، میرزا محمد علی خان امیری، موقوفه خوار در سبزوار، سعید الاعیاله در نیشابور، بعضی از وکلای دوره شاهنشاهی در مازندران، حتی در دزفول مظلوم، باز کاشغز آورد هاند (از کجا؟) که ملک ما را پس بدهید، کف بعضی پس گرفته‌اند و حتی آبی هم پالایش خورد"

انته این لیستی که آقای حجازی ردیف کرده بسیار ناکامل است. وی صحنه گردانان اصلی بازار را که محتکران، گرانفروشان و تروریستهای اقتصاد هستند و زالووار خون زحمتکشان را می‌مکند، به فراموشی سپرده است!

آقای حجازی که میدانند، که اینهایی که "باز کاغذ آورده‌اند"، این کاغذها را از کجا آوردند؟ عداوت اظهار نامشان خود داری میکند و دست خود را در مشارکت با آنها باز میکند.

آقای حجازی از بی‌ملا ساختن نام اینهایی خود اذعان میکند، که به اعتراف خود او "بازار را" "سنگر روحانیت می‌دانند" و نه زحمتکشان را!

### شهرداری تهران پادرجای پای رژیم شاهمی گذارد!

در شرایطی که بحران عمیق سراسر جامعه ما را فرا گرفته است و حاکمیت ج ۱۰۱۰ از حل کوچکترین مسئله اجتماعی عاجز مانده است، هر گونه انتقاد و حرکت اعتراضی مردم با تهدید به سرکوب از جانب حاکمیت روبرو می‌گردد. در حالی که بی‌پایگی وعده‌های طلایی تسلیم طلبان هر روز نمایان‌تر می‌شود، حکومت چاره‌ای جز روی آوردن علنی به خشونت ندارد.

در هفته گذشته آقای حسین صادقی، قائم مقام شهرداری تهران در گفتگویی با روزنامه کیهان مورخ ۲۶ خرداد ۱۳۶۲ در رابطه با وضعیت فعلی خاندانهای غیرمجاز در حاشیه شهر به همین شیوه با مشکلات و خواستهای مردم برخورد کرده و از جمله چنین می‌گوید:

"بعد از انقلاب ۰۰۰ افراد سودجو و فرصت طلب با قسمت کردن زمینها و با فروش قولنامه‌های آنها به عده‌های یاض شدند که موج آلونک سازی در گوشه و کنار شهر رو به ازدیاد بگذارد و خواه ناخواه عده‌ای از طریق معامله ممنوع قولنامه‌های زمین تهیه کردند و بدون مجوز شروع به ساختن کردند مقابل شهرداری قرار گرفتند (تأکید از ماست) و شهرداری با توجه به وظیفه شهر و حریم آن طبق مقررات موظف است جلوی تجاوز به اراضی را بگیرد."

به زعم آقای صادقی، نه آن عده افراد سودجو فرصت طلب که با فروش قولنامه‌های تقلبی سود کلانی به جیب زد هاند و امروز دست یافتن بسه آنها کار حضرت فیل است، بلکه پاره‌ها و زافه نشیتان محروم از مسکن مقصدند و امروز در مقابل شهرداری قرار گرفته‌اند.

این محرومین مقصدند که بجای دلخوش کردن به وعده‌های پوچ مقامات جمهوری اسلامی در رابطه با مسکن، با پس انداز درآمد ناچیز خود در جهت تهیه مسکن برای خود اقدام کرده‌اند. چاره‌هایی که زمانی انقلاب از آن آنها خوانده می‌شد و امروز دیگر سخنی از آن در میان نیست، چون دیگر امیدی به اجرای قوانین انقلابی از جمله اصل ۳۱ قانون اساسی که در آن تأمین



## در هفته‌ای که گذشت:

بقیه از صفحه ۱۲  
مسکن برای هر فرد ایرانی از وظائف اولیسه دولت بشمار می‌آید را نداشتند، خود دست بکار شدند و به همین دلیل امروز مقصر شناخته می‌شوند آقای صادقی در همان مصاحبه چنین ادامه می‌دهد:

"شهرداری از ساختن خانه‌هایی که خارج از محدوده ۶۰۰۰ تهران و بدون مجوز ایجاد می‌شود به شدت جلوگیری بعمل خواهد آورد" و بالاخره "شهرداری تهران طبق مقررات خانه‌های ساخته شده بدون مجوز را تخریب خواهد کرد و از ایجاد هرگونه شبسه آلوده در سطح شهر تهران بشدت جلوگیری خواهد کرد"

این سخنان با بیانات جمشید آموزگار وزیر شاه خائن در آخرین روزهای حیات دولتش شباهت بسیار دارد! آنها قبلاً از حاکمیت کنونی ایران این راه را رفتند و زافه نشینان را به خاک و خون کشیدند. زمان لازم بود که همان زافه نشینان حکومت آن وزیر و تاج و تخت اربابش را به زیر بکشند. حاکمیتی که به همه اهداف انقلاب مردم ایران پشت کرده است قادر نیست که حتی به یکی از خواسته‌های کوچک مردم زحمتکش میهنمان پاسخ انقلابی دهد، امروز نیز به این شکل زحمتکشان را مورد تهدید قرار می‌دهد.

مردم انقلابی ایران که با نثار ده‌ها هزار شهید انقلابی چنان عظیم را به سرانجام رساند قادر خواهند بود از مناقع خود دفاع کنند. ساختن "آلونک" ها توسط زحمتکشان نشان دهنده شکست سیاست تأمین مسکن برای آنها توسط حاکمیت است. تخریب این "آلونک" ها توسط شهرداری تهران، نشان دهنده تداوم سیاست شهرداری در زمان رژیم شاه است.

## "جاذبه‌های شهری" یاققرخانمان برانداز

در جریان برگزاری سالگرد جهاد سازندگی، که طی آن مسائل روستای ایران مطرح بود، از سوی سخنگویان متحد دی و از جمله آقای نخست وزیر به مسئله "جاذبه های شهری" بعنوان یکی از علل مهاجرت روستائیان به شهرها تکیه شد. آنهایی از "جاذبه‌های شهری" بعنوان وسیله جهت منحرف ساختن نظر و توجه زحمتکشان، استفاده می‌کنند که وعده‌های خود را به دست فراموشی سپرده و از اجرای اصلاحات ارضی طفره رفته‌اند.

باید پرسید: آیا "جاذبه های شهری" باعث شده است که فوج دهقانان و خانواده‌هایشان به بیخوله ها و حلیی آبادهای حواشی شهرها روی بیاورند؟ آیا "جاذبه های شهری" باعث شده است که روستائیان بیمار برای معالجه به شهرها روی آورند؟

و صد آیای دیگر.  
اگر زمین به دهقانان داده شود، در کار کشت و برداشت محصول به آنان، نه بصرمایه دارد. بزرگ وارد کننده گندم و برنج و سایر محصولات کشاورزی، کمک شود، دهقانان در روستاهای آباد باقی میمانند و خود کفائی واقعی نیز تأمین می‌شود.

## ۲۰۰ تن جای احتکار شده کشف شد

"با چاپ خبر کشف ۲۰۰ تن چای و لوازم احتکار شده که خبر آن در روزنامه کیهان مورخه ۳/۱۸ منعکس شد، ماموران کلانتری ۱۳ که عامل این کشف مهم بودند، با حضور نمایندگان ارگان‌های مربوطه به نظارت بر توزین چای‌های احتکار شده پرداختند و دریافتند که مقدار آنها حدود ۲۰۰ تن می‌باشد." (کیهان ۲۳ خرداد)



## اختلاس میلیونی

هر روز که میگذرد اخبار اختلاس و سوءاستفاده‌های مالی در دستگاه‌های مختلف آشکارتر میشود.

همین چندی پیش روزنامه های مجاز ایران اطلاع دادند که سرپرست سابق مرکز بازرگانی استاندارد آذربایجان شرقی و مدیرعامل کشتارگاه تبریز به اتهام اختلاس دستگیر شده‌اند (اطلاعات ۳۰ خرداد ۶۲).

رقمی که طبق گزارش دادستانی تبریز به جیب این دزدان نوکیسه رفته، جمعا ۱۰۰ میلیون تومان است (۵۰۱ میلیون ریال از کشتارگاه تبریز ۴۹۶ میلیون ریال از مرکز بازرگانی آذربایجان شرقی، از محل توزیع و ترخیص آهن آلات).

به عبارت دیگر در دو نهاد حاکمیت در یک شهر، ۱۰۰ میلیون تومان اختلاس شده است. این واقعیت دردناک به حق نگرانی عمیق مردم محروم میهن ما را برمی‌انگیزد. مردم از خود سؤال میکنند: که اگر دزدان کشتارگاه صد میلیون تومان میدزدند پس دزدان از نوع‌گانه‌ها

درشت" با اختلاس و سوءاستفاده‌های مالی خود چه ارقامی را از بیت‌المال به یغما میبرند؟ چرا دانه های درشت" کشف نمی‌شوند؟ مردم این سؤال بر حق را از خود و از مسئولین می‌کنند، که چه کسانی این دزدان بیت‌المال را بر سر این پست‌های "نان و آب" دار گمارده‌است؟ آیا وضع آنطور است که آقای عسگر اولادی، وزیر بازرگانی جمهوری اسلامی در پاسخ به سئوالات نمایندگان مجلس گفت، که او را با سئوالات خود زیر فشار قرار داده بودند؟

آقای عسگر اولادی گفت: "محاسبت شریک لشریک" و هشدار داد که همه با هم شریکیم!

## راستگرایان خود را معرفی می‌کنند

حجت الاسلام قربانی، امام جمعه لاهیجان در گفتگوی خود با روزنامه اطلاعات مورخ ۲۶ خرداد اعلام میکند که او از همان اول مخالف اصلاحات ارضی انقلابی بوده است.

وی این اصلاحات را "تجاوز و غصب" می‌نامد و حمایت مسئولین و نهادها را از کشاورزان در امر تقسیم زمین "بیمورد" و ناشی از "تند روی و تفکرات افراطی" اعلام میکند. وی می‌طلبد، زمینهای که "بطور عدوانی" و "غاصبانه" تصرف شده‌اند، به صاحبانشان بازگردانده شود.

امام جمعه لاهیجان مطالب فوق را در روزنامه اطلاعات چنین بیان میکند: "ما از همان اول مخالفتمان را با اینگونه کارها و تجاوز و غصب اعلام کرده بودیم و حتی به هیات پیگیری هم گفتیم که نباید تحت تاثیر جو قرار گیرند و متأسفانه برخی از کشاورزان از پاره‌ای حمایت‌های بی‌مورد نهادها و مسئولین سوءاستفاده کرده و اینگونه زمینها را بطور عدوانی (!) تصرف کرده‌اند، که بآین زمینها به صاحبانشان بازگردانده شود" وی در جای دیگری میگوید: "در مورد مصادره این زمینها، بعضی‌ها می‌گفتند باغاتی هم کنه مصادره شده بخاطر بعضی از تند روی‌ها و طرز تفکرات افراطی، غاصبانه تصرف شده‌اند".

این واقعیت که بخشی از روحانیت، بنده هواداری از بزرگ زمینداری و خانها، از اول پیروزی انقلاب اصلاحات بنیادی بنفع زحمتکشان روستا مخالفت کرده است و مانع آن گشته که "پینه دست دهقانان سند زمین" بشمار آید، بارها توسط حزب ما افشا شد.

این مدافعان سرمایه داری، غارتگر و سروریستهای اقتصادی و بزرگ زمینداران و خانها، در ابتدای انقلاب که حتی جسارت اعلام نظر خود را نداشتند اکنون که با تسلیم طلبی نیروهای معاشرانگرم، مواضع عدل را در حاکمیت جمهوری اسلامی ایران به چنگ آورده‌اند، تریبون نماز جمعه و روزنامه های مجاز کشور را به محل انتشار نظریات "ضدمتضعفان" قرار میدهند.

۱- سخنرانی پیش از دستور نمایندگان مجلس در انتقاد از سیاست دادن سوسید از طرف دولت به وارد کنندگان کالا های کشاورزی.

# گسترش همبستگی بین المللی

بقیه از صفحه ۳

استقلال و آزادی ایران در میدان مبارزات ضد امپریالیستی را خواستار گردیده است.

● روزنامه "وارهایت" که از طرف حزب سوسیالیست متحد به برلن غربی منتشر میشود، طی مقاله‌ای با عنوان "همبستگی با حزب توده ایران" تحولات اخیر ایران و گرایش به امپریالیسم حاکمیت راستگرایان در جمهوری اسلامی ایران را مورد بررسی قرار داده و نوشته است: "تصادف نیست که اتاق بازرگانی و صنایع آلمان فدرال در چنین موقعیتی به کنسرن‌ها توصیه کرده است که مدیون مجرب خود را به تهران بفرستند". در این مقاله که بقلم مسئول بخش سیاست بین المللی روزنامه نوشته شده همچنین آمده است: "چیزی که آمریکاییها از زمان سرنگونی شاه با چندین توطئه نتوانسته بودند کسب کنند اکنون با وسائل سرد بدست میآورند. نسخه قدیمی نفوذ دادن افراد خودی در ارگانهای حاکمیت که آمریکاییها بدان متوسل شده‌اند امکان فعالیت آزاد را بدانها داده است". در این مقاله پس از اشاره به این که پشت اتهام واهی "جاسوسی" این واقعیت نهفته است که حزب توده ایران کلان سرمایه‌داران و بزرگ زمین‌داران را که از نفوذ زیادی در حاکمیت برخوردارند، به عنوان دشمن اصلی داخلی به مردم معرفی کرده است. ما همه را به ابزار همبستگی با کمونیستها و دمکراتهای ایرانی دعوت کرده و از زبان رفیق هورست اشمیت، صدر حزب سوسیالیست متحد به برلن غربی که در جشن سالانه روزنامه عنوان شده بود، خواستار پایان دادن به پیگردها و سرکوب علیه حزب توده ایران، و آزادی تمام اعضا و رهبران آن و همچنین تمام نیروهای مشرقی ایران شده است.

## کمونیستهای اعضا پارلمان اروپائی از جان توده‌ای‌های در بند دفاع می‌کنند

نمایندگان فراکسیون کمونیست پارلمان اروپا تقاضا نامه‌ای برای بررسی اوضاع ایران، پیرامون دستگیری و شکنجه رهبران حزب توده ایران و نگرانی از سرنویشت نورالدین کیانوری، دبیر اول حزب توده ایران و در این رابطه تبادل نظر از طرف صلیب سرخ بین المللی به ایران و ملاقات و معاینه زندانیان توده‌ای، تقدیم پارلمان اروپا کردند. در این تقاضا نامه که در اجلاس ششم ژوئن این پارلمان ارائه و تصویب شده، خواسته شده است که ابتکارات جدیدی برای نجات جان این زندانیان عملی گردد، چه اوضاع از زمان دستگیری آنان به

شدت رو به وخامت گزاشده است.

### سندیکاهای

## کارگری ایتالیا، بنام میلیونها کارگر این کشور، نسبت به دستگیری و شکنجه رهبران و اعضای حزب توده ایران اعتراض می‌کنند

دبیرخانه سندیکای ایتالی کارگران ساختمان، بنام کلیه کارگران این سندیکای استان ونتو در ایتالیا، طی ارسال تلگرامی به سفارت ایران در رم، به بازداشت رهبران حزب توده ایران و تضيیقات اعمال شده در مورد حزب و در مورد مبارزین بازداشت شده، شدیداً اعتراض کرده و خواستار اعزام يك هیأت ناظر بین المللی جهت بررسی وضع این زندانیان، از نزدیک شد. در پاسخ بدین تلگرام و درخواست اعزام هیأت، سفارت ج. ۱۰۱۰ در رم نامه‌ای خطاب به سندیکای ایتالی کارگران ساختمانی استان ونتو، تقریر و در آن همان لاطائلات معمول در مورد "جاسوسی رهبران حزب توده ایران" را تحویل کارگران داده و اشاره نموده است که مبارزین زندانی، بجهت خیانتپشان بمنافع مردم و انقلاب ایران، عقوبت می‌شوند. و از پاسخ به مسأله مشخص اعزام هیأت ناظر اصولاً طفره رفته است.

سندیکای کارگران ساختمان، در مقابل، نامه دیگری به سفارت نوشته که در حقیقت سند افشا کننده این گناهکاران واقعی و این جنایتکاران به منافع مردم و میهن است. ما متن نامه را در زیر میآوریم:

در رابطه با پاسخ کلی شما، نسبت به اعتراضات ما در مورد دستگیری و شکنجه میهن پرستانی مانند کیانوری، بمآذین، طبری و هزاران انقلابی اصیل دیگر، باید بگوئیم آنچه که شما بنام خدا اظهار می‌دارید، دروغ محض است زیرا که به درخواست ما در مورد اعزام هیأتی بی طرف برای بررسی وضع زندانیان اصولاً اشرارهای ننموده‌اید. ما معتقدیم که شما بنام "انقلاب مردم" دست به کشتار، به بند کشیدن و شکنجه میهن پرستان و وارد آوردن اتهامات ناروا بدانان زده و با بی‌شرمانه ترین اعمال، هر نوع زیستن و آزادی را از مردم سلب کرده‌اید. چطور میشود باور کرد که انسانهایی همانند رهبران حزب توده ایران، با ارزشهای والی اخلاقی، فرهنگی و سیاسی، کسانی که همه توان خود را در پیروزی انقلاب بکار بردند و در این راه قربانیها دادند، حال به سطح نازلی که شما میخواهید نشان دهید، برسند؟ چگونه امکان دارد،

مبارزینی که يك ربع قرن در سیاهچالهای شاه و زیر شکنجه‌های ساواک بخاطر ایدهای انسانی، شان مقاومت ورزید، مانند، حال بخود نسبت خيانت و جاسوسی بدهند؟ در واقع اگر بخاطر نجات جان این مبارزین از مرگ نبوده، همه اینها تنها، مضحک و خنده آور میبود، اما حال که مسأله مرگ و زندگی آنان در میان است، کارگران ایتالیائی که دوستدار انقلاب ایران بوده و در طی این مدت، حوادث آنرا، با علاقه خاصی دنبال کرده‌اند، ایمن لاطائلات و خود شما را به شدیدترین وجهی، بمتابعه دشمنان انقلاب، محکوم می‌کنند.

ما اطمینان داریم که علیرغم وقایع اخیر، انقلاب ایران توانائی آن را دارد که بسزوی خائنین واقعی را شناسانده و میهن پرستانی را که به زندان افکنده و آزارشان میدهد، از بند رها سازد، تا آنان باریگر جای خود را در صف دفاع از انقلاب باز یابند.

بنام همان خدائی که ادعای اعتقاد بسوی را دارید، از شما می‌خواهیم دست بخون ایمن انسانهایی که تنها گناهشان تعلق به حزب کمونیست ایران است، نیالائید زیرا که در این صورت جنبشهای کارگری در تمام جهان، شما را محکوم خواهند نمود.

## آمریکا

● تعدادی از سازمانهای سیاسی شهسری سیاتل در ایالت واشنگتن آمریکا، ضمن امضاء اعتراضیهایی، خواستار قطع فوری شکنجه‌ها و آزادی بلادرنگ رهبران و اعضای حزب توده ایران گردیده‌اند. امضاء کنندگان بدینقرارند:

● کمیته عرب - آمریکائی ضد تبعیض نژادی در شهر سیاتل ● کمیته هواداران فلسطینی دمکراتیک در سیاتل ● اتحادیه عمومی دانشجو-یان فلسطینی GUPS، شعبه سیاتل ● سازمان دانشجویان مخالف میلیتاریسم در سیاتل.

● سازمان زنان مبارز برای صلح در شهر سیاتل، طی ارسال نامه‌ای به دفتر حفاظت منافع ایران در واشنگتن، نگرانی شدید خود را از اعمال شکنجه‌های وحشیانه در مورد مبارزین زندانی حزب توده ایران و نحوه کسب "اقراریه" تلویزیونی از رهبران حزب، ابهراز داشته و این تضيیقات را همگامی با سیاست جنگ افروزانه دولت ریگان و تهدیدی علیه صلح جهانی، ارزیابی کرده است.

● روزنامه دلی ورد، ارگان حزب کمونیست ایالات متحده آمریکا، در تاریخ ۲۴ ژوئن، ضمن انتشار خبر کشته شدن رفیق حسن حسین پور تیریزی، یکی از رهبران جنبش کارگری و سندیکائی که در زیر شکنجه‌های وحشیانه دژخیمان جمهوری اسلامی بقتل رسید، نگرانی عمیق محافل دمکراتیک را در مورد خطری که بویژه پس از این واقعه جان رفیق نورالدین کیانوری را تهدید می‌کند، ابهراز کرده است. ○

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

# نگرانی مردم ایران از آینده کشور

بقیه از صفحه ۶

حداقل مردم ایران از تجربه تلخ خود به این حقیقت واقفند .

آنجا که نویسند "اطلاعات" احزاب کمونیستی را بشماره وسیله باصطلاح نفوذ شوروی عرضه می دارد ، نه تنها عادیترین موازین اخلاقی را زیر پا می گذارد ، بلکه به مانند بلندگوی سیا عرضه اندام می کند . تصادفا در این زمینه نیز او از "استادش" جلال الدین فارسی الهام می گیرد . وی در سخنرانی نماز جمعه ضمن حملات گستاخانه به حزب توده ایران ، کمونیسم و اتحاد شوروی از جمله گفت ، گویا وظیفه احزاب کمونیست "در کشورهای مسلمان همیشه تامین منافع شوروی بوده است" (اطلاعات ۲۱ اردیبهشت ماه ۶۲)

همه آنانیکه کم و بیش با سیاست سروکار دارند می دانند ، متکرر این تهمت بیشرمانه و مبتذل سازمان جاسوسی آمریکا است و اشاعه دهندگان ، عمال امپریالیسم بوده و هستند . مبارزات احزاب کمونیست در کشور

جهان سوم را ، کمبخش جدائی ناپذیر بیکار خلقها در راه آزادی و استقلال واقعی است ، سیاست "توسعه طلبی" اتحاد شوروی اعلام کردن ، هدفی جز استتار سیاست تجاوزکارانه امپریالیسم آمریکا نمی تواند داشته باشد .

پس از پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر و تشکیل نخستین کشور سوسیالیستی در جهان ، امپریالیسم از بیسم از دست دادن سلطه خود به انواع خیل برای تیره ساختن مناسبات اتحاد شوروی با کشورهای همسایه متوسل شد . افسانه دستیابی به آبهای گرم خلیج فارس نمونه ای از آنهاست . سالها رسانه های گروهی امپریالیستی این نغمه را ساز می کردند ، اینک نیت به سید عطاالله مهاجرانی رسیده است . او می نویسد ، ایران یکی از کشورهای "هرجذ پمپرای روسیه" بوده است . چرا ؟ به نوشته وی ؛ برای اینکه ایران حدود ۱۹۷۵ کیلومتر مرز خاکی و آبی با اتحاد شوروی دارد و "از سوی دیگر مرزهای جنوبی ایران ، در ناحیه خلیج

فارس و دریای عمان ؛ و تسلط برگذراگه عبور نفت و معادن پر اهمیت و ... برای روسیه بسیار وسوسه انگیز بوده است" (اطلاعات ۲ خرداد ۶۲)

باز افسانه "دستیابی به آبهای گرم" سید عطاالله مهاجرانی مامور است و معذوز او باید افکار عمومی را از خطر واقعی متوجه کشور های خلیج فارس منحرف سازد . اینکده چه کسانی هم اکنون بر آبهای گرم خلیج فارس حاکمیت می کنند و گذرگاه عبور نفت را تحت نظارت دارند و معادن پر اهمیت نفت را غارت می کنند ، برای مهاجرانی ها مطرح نیست . چرا مجلسین "اسلامی" نیروی دریائی عظیم ایالات متحده آمریکا را کسه تنگه هرمز را تحت نظارت گرفته نادیده می گیرند ؟ آیا این اتحاد شوروی است ، کسه نیروهای سریع و مرکز واحد فرماندهی و زنجیره ای از پایگاههای نظامی در عمان ، سودان ، مصر ، عربستان سعودی ، لبنان و غیره ایجاد می کند ؟

هدف کسانیکه در اشاعه اراجیف ضد شوروی با امپریالیسم همصدائی می کنند ، پردپوشی سیاست امپریالیسم آمریکا است . مقصد آمریکا احیاء سلطه در جهان است . ر آل سن دستیار سابق ریگان در مسئله امنیت ملی (در حال حاضر وی مشاور سیاسی حزب خاکم است) صریحا اعلام داشت : "هدف ما احیاء نقش هدایت کننده ایالات متحده آمریکا است" . جانشین وی در این سمت کلارک عیان تر از همکارش گفت ، غرب باید از منافع خود دفاع و جهان را در مسیر لایم هدایت کند . "حکام کمونیسم ستیز جمهوری اسلامی نیز در این مسیر حرکت می کنند . مردم ایران به حق نگران آینده کشورند .

# دهقانان زندانی را آزاد کنید!

کنترل خود را تحمل می کند ، که دهقانان بسی گناهی را ، که فرزندانشان در جبهه های جنگ در دفاع از میهن شهید شده اند و می شوند به فراموشخانه های جمهوری اسلامی فرستاده شوند ، فقط به این علت که بنا "مجور قانونی" و بدنیال پیروزی انقلاب "کوچ نشینان علیه کاخ نشینان" زمین دریافت کرده بودند و برای تامین "خودکفائی" به جان کندن بر روی زمین پرداخته اند ، به بند کشیده شوند ؟

شورای عالی قضائی با رسالت از کدام زحمتکش که "پینه دستش سند مالکیت" است ، اکنون "مالکین اراضی" ای را "مالک" می نامد ، که "سند" مالکیتشان ، بسند غارت و چپاولگری و سرکوب دهقانان است .

"حقوق کارگران و رعایا را سرمایه داران بزرگ و مالکین بزرگ بردماند و امروز هم دارند می برند . بدین جهت آنان مالک کارخانه ها و زمین های خود نمی باشند . ماهه آنان را به پای میز محاکمه می کشیم و مایملک و سرمایه آنان را کسه عمری است مالکین بزرگ و سرمایه داران بزرگ خورد مانده محرومین باز پس داده می شود ."

(امام خمینی ، اطلاعات ۱۶ آذر ۵۹)

آری ، اینست عاقبت دردناک تسلیم طلبی مماشائگران در مقابل مدافعان کلان سرمایه داری و بزرگ زمین داری !

آری ، اینست علت سرکوب پریرمنشانه حزب تسوده ایران ، که مدافع واقعی دهقانان بی زمین و کم زمین و خواستار تقسیم اراضی انقلابی

بوده و هست . جمهوری اسلامی ایران نباید پیه زندان زحمتکشان و مدافعان زحمتکشان تبدیل شود !

ما ، همصدا با تمام زحمتکشان میهن مان ، همصدا با خانواده های دهقانان زندانی ، به این حق کشی ، به این پشت کردن به منافع دهقان اعتراض می کنیم و آزادی فوری و بیس و ن قید و شرط دهقانان زندانی را می طلبیم . ما ، همصدا با دهقانان می طلبیم که اصلاحات ارضی انقلابی اجرا شود و زمین به دهقانان تعلق گیرد !



پس پینه دست من که سند من بود ماست مالی شد ؟

## تیزابی: قهرمانی دیگر از قبار شهیدان توده ای

بقیه از صفحه ۱۵

او بعد از چند سال مبارزه در خارج از زندان بار دیگر خود را در شکنجه گاه سیافست آنجایی که او حماسه شد .

او محراب شیفتگان آزادی را باز یافت و با مرگ پرافتخار خود پیام آور راه آزادی گشت .

در دهمین سال شهادت رفیق شهید توده ای ، رزمندگان راه او ، توده ای های نسل جوان ، با خون رفیق خود پیمان می بندند که راه هوشنگ را ادامه دهند و دشمن اصلی ، کسه هوشنگ جان خود را نثارش کرده ، یعنی امپریالیسم خونخوار آمریکا و دیگر خود فروختگان وابسته داخلی آن را از وطن خویش ریشه کن کنند .

هوشنگ تیزابی از شقایق زار خلق بر دمید و در قلب تاریخ قسبه شد .

راه تیزابی ، راه حزب توده ایران ، پیروز و پرافتخار باد !



## صلح، زندگی، علیه جنگ هسته‌ای



### مذاکرات پیرامون افغانستان

بر طبق گفته نماینده ویژه سازمان ملل متحد در گفتگوهای مربوط به حل صلح آمیز مسائل پیرامون افغانستان، که با شرکت جمهوری دمکراتیک خلق افغانستان و پاکستان انجام می‌گیرد، پیشرفت‌هایی در راه حل کامل مسئله صورت گرفته است. وی که این گفتگوها را جداگانه با وزرای امور خارجه دو کشور انجام میدهند اظهار داشت که این گفتگوها با روحی واقع‌بینانه و منطقی صورت می‌گیرد. وی گفت طرفین حاضر در گفتگوها برخواست خود مبنی بر انعقاد موافقت‌نامه‌ای به منظور حل سیاسی مسئله تأکید کردند. طرفین اظهار عقیده کردند که اختلافات موجود نیز قابل رفع اند.

از سوی دیگر وزیر امور خارجه هند در ریسک مصاحبه با روزنامه اطریشی "دی پرسه" اظهار داشت که برای حل مسئله افغانستان هیچ راهی جز انجام مذاکرات وجود ندارد. وی گفت: "به گفتگوهای میان افغانستان و پاکستان میتوانیم بطور مشروط خوشبین باشیم".

لازم به تذکر است جمهوری اسلامی ایران در تداوم خواست قیبط زا ده خواستار شرکت به اصطلاح مجاهدین افغانی (بخوان تورست های آمریکایی) در این مذاکرات است و بد و ن شرکت آنها در این گفتگوها شرکت نخواهد کرد.

### تهدید صلح

انستیتیوی بین‌المللی تحقیقات صلح استکهلم در آخرین گزارش خود، سال ۱۹۸۳ را سال سیروشت ساز برای خلق سلاح خواند؛ این انستیتیو در گزارش خود اظهار داشته است که اگر تصمیم ناتو مبنی بر استقرار موشکهای میانبرد عملی گردد دیگر شانس برای نابودی آنها نمی‌ماند. این انستیتیو بر لزوم به شمار آوردن موشک های انگلیسی و فرانسوی در مذاکرات ژنو تأکید کرده و اضافه کرده است که این آمریکا و ناتو است که با افزایش سرسام آور بودجه نظامی خود به مسابقه تسلیحاتی، دامن زده و صلح جهانی را

"گرد هم آیی جهانی برای صلح و زندگی و علیه جنگ هسته‌ای" در پراگ پایتخت چکسلواکی، برگزار شد. در این گرد هم آیی ۲۵۰۰ نماینده از ۱۴۰ کشور جهان و بیش از ۱۰۰ سازمان بین‌المللی شرکت کردند. این کنفرانس به منظور تبادل نظر درباره فعالیت‌های آتی جنبش جهانی صلح، بمنظور جلوگیری از تهدیدی که موجودیت بشر را زیر علامت سوال برده است و همچنین حفظ صلح جهانی و رفع خطر جنگ هسته‌ای ترتیب یافته بود. چنانکه روش‌چاندرا، رئیس شورای جهانی صلح در نطق افتتاحیه خود ابراز داشت، خلق‌گام‌های جدیدی را در جهت مبارزه به خاطر صلح از این کنفرانس انتظار دارند. وی گفت:

"هیئت‌های مختلفی، صرفنظر از اختلافات ایدئولوژیک تنها به خاطر هدف مشترک خود یعنی جلوگیری از خاکستر شدن کودکان، چنانکه در میروشیما اتفاق افتاد، در این گرد هم‌آیی شرکت کرده‌اند. وی افزود از فاجعه هسته‌ای می‌توان تنها از راه فعالیت مشترک تمام مخالفین جنگ جلوگیری کرد. وی در این رابطه از نقش کشورهای سوسیالیستی و پیشنهادات صلح آنها و کشورهای غیر متعهد در حفظ صلح جهانی قدر دانی کرد. بسیاری از شرکت‌کنندگان در این گرد هم آیی تأکید کردند که هیچ گزینه واقعی دیگری به خطر انداخته

از سوی دیگر از طرف مناجد ولتی بلژیک فاش شد که دولت این کشور موافقت نامهای بسا دولت آمریکا پیرامون تدارک مقدمات استقرار موشکهای میانبرد آمریکایی در خاک این کشور به اعضا رسانده است. یا نزدیکی موعد پیش بینی شده برای استقرار این موشکها، عملیات ترمیمی متعدد دی برای باصطلاح "جنگ هسته‌ای احتمالی" از طرف نیروهای مسلح آمریکا صورت می‌گیرد. در "مانور" گلوبال - شیلد ۸۳" که به منظور آزمایش آمادگی ارتش آمریکا برای جنگ هسته‌ای آینده انجام می‌گیرد، مجموعاً ۱۵۰ هزار نظامی آمریکایی، در چهار گوشه جهان شرکت داشته و فرماندهی نیروی هوایی این کشور این عملیات را رهبری می‌کند.

جز پرداختن به مذاکرات جدی درباره مجدد و ساختن تسلیحات هسته‌ای وجود ندارد و در این رابطه نقش اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی در ارائه پیشنهادات فراوان عملی که به این منظور کمک خواهد رساند مورد تقدیر قرار گرفت.

در بسیاری از گروه‌های کار، که فعالیت کنفرانس به آن تقسیم شده بود طرح ضد انسانی آمریکا برای کشاندن مسابقه تسلیحاتی به فضا مورد انتقاد شدید قرار گرفت و تأکید شد که فضا باید محل پژوهش‌های صلح آمیز باقی بماند. گروه‌های مخصوص صلح جوانان و گروه‌های صلح زنان نیز در جنب این کنفرانس مشغول به کار بودند. این کنفرانس پس از آرزو با صدور بیانی بمخلف‌های جهان درباره "صلح" به کار خود پایان داد.

**کمک مالی به حزب توده ایران، یک وظیفه انقلابی است!**

**رفقای هوادار حزب توده ایران در اشتوتگارت هزینه چاپ این شماره "راه توده" را تأمین کردند**

آمریکا ۵۰۰۰ دلار  
رقای اکفیت (پاریس) ۳۰۰۰ فرانک  
فرانکفورت ۲۰۰۰ مارك

**RAHE TUDEH**  
No. 48  
Friday, 31 June 83

**Winfried Schwarz**  
Address: **Markgrafenstr. 13**  
**6000 Frankfurt 90**

Price:	England	30	P.
West-Germany	Belgium	22	Fr.
	Italy	600	L.
	1 DM		
France	3 Fr.	U.S.A.	40 Cts.
Austria	8 Sch.	Sweden	3 Skr.

### محافل دمکراتیک و مجامع مترقی زنان در سراسر جهان، نگرانی

● "کمیته" برلن غربی برای حقوق زن "طی نامه" سرکشاد مای، نگرانی خویش را از وقایع اخیر ایران که منجر به بازداشت مریم فیروز، مسئول "تشکیلات دمکراتیک زنان ایران"، و گسره عظیمی از دمکراتها و میهن پرستان ایرانی گردیده است، اعلام و از خواست اعزاز هیاتنی با ایران، جهت بازدید از زندانیان و نحوه شکنجه‌های وارده بر آنان، حمایت کرده است.

بشر دانسته، با اشاره به تجارب تاریخی تأکید کرد مانند این اعمال، صرفاً در خدمت منافق امپریالیسم و نابودی انقلاب ایران خواهد بود. ● "کمیته" هم آهنگی زنان در برلن غربی، از سازمانها و گروه‌های مختلف زنان عضو خواسته است، به بازداشت مریم فیروز و سایر زنان عضو "تشکیلات دمکراتیک زنان ایران" و رفتار وحشیانه مأمورین جمهوری اسلامی با آنان، قویاً اعتراض نمایند.